

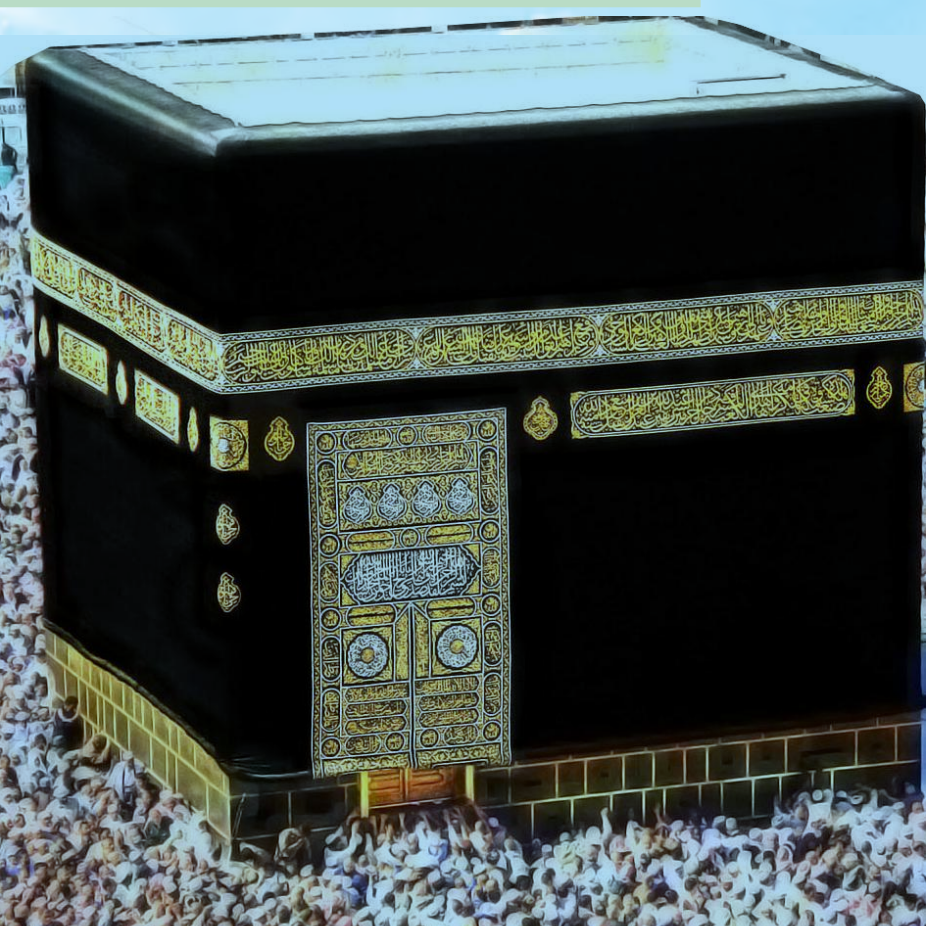


جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

عقاید (الفقه الأكبر)

صنف هشتم

(برای مدارس دینی)



سال چاپ: ۱۳۹۸ ه. ش.

عقاید - صنف هشتم - برای مدارس دینی

کتاب درسی مربوط وزارت معارف بوده، خرید و فروش آن
ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت معارف

ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

عقاید

(الفقه الأكبر)

صنف هشتم

(برای مدارس دینی)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ . ش.

مؤلفان

- نعمت اللہ محمودی
- سعید الرحمن سید
- رقیب اللہ ابراہیمی

ایدیت علمی و مسلکی

- سید احمد اشرفی
- گل آقا شایق

ایدیت زبانی

- معاون مؤلف بریالی رضوانی

کمیتہ دینی، سیاسی و فرهنگی

- محمد آصف کوچی
- محمد نسیم قاضی زادہ

اشراف

- دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژہ انکشاف نصاب تعلیمی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ملي سرود

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو	د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي	پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه بان
دا هیواد به تل ځلیري	لکه لمر پر شنه اسمان
په سینه کې د اسیا به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مو دی رهبر	وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبيه ورسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد:

نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد. نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش تقدیم معلومات تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که باید مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود باشد نصاب تعلیمات اسلامی است؛ زیرا تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل تمام ابعاد زندگی انسان ها را دربر گرفته و به حیث آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با ثوابت و طبیعت دین اسلام که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با تاریخ علمی درخشان، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی؛ مانند: عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد موج بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رخ مینمایند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کیفی و کمی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب تعلیمات اسلامی اقدامات قابل توجه نموده است.

این وزارت با دعوت از علماء، استادان و متخصصین فرهیخته و قابل اعتماد کشور به به سازی نصاب تعلیمی پرداخته و بدون کم و کاست در مضامین و کتابهای مقرر در نصاب تعلیمی رایج مدارس تعلیمات اسلامی، به منظور استفاده خوبتر و بیشتر، کتابهای مقرر را شکل درسی داده و با شرح و توضیح لازم متون و اضافه فعالیتها، ارزیابی و تمرینهای مناسب، به غنای متون درسی موجود پرداخت.

امیدوارم این خدمت ناچیز وزارت معارف و تلاشهای قابل تمجید علماء و دانشمندان و متخصصان کشور عزیز ما مورد قبول خداوند متعال قرار گرفته و در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شود.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

استادان گرامی و شاگردان عزیز،

دین مبارک اسلام به عنوان آخرین پیام الهی و کامل ترین نظام زندگی مشتمل است بر یک سلسله باورها و اعتقادات قلبی، سلوک و ارزش های اخلاقی، احکام و تکالیف عملی. علوم «عقاید»، «اخلاق» و «فقه» بالترتیب عهده دار بیان این بخش های سه گانه می باشد.

و از آنجا که عقاید، شالوده و اساس سایر بخش ها را تشکیل می دهد و همه تعالیم دینی اعم از اخلاق، عبادات و احکام، از آن سرچشمه می گیرد، تصحیح و ترسیخ عقاید در رأس اولویت های بندگان قرار دارد.

عقیده است که در زندگی سبب اطمینان میشود، خوشبختی دنیا و آخرت را به بار می آورد، و سبب قبول شدن اخلاق و اعمال می گردد. الله تعالی می فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتٍ طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (النحل: ۹۷) ترجمه: کسی که اعمال نیک را انجام داد، مرد باشد و یا زن بشرطی که مؤمن باشد، ما او را در (دنیا) زندگی با سعادت و در (آخرت) پاداش بهتر از آنچه انجام داده عطا می کنیم.

بنا بر این خدای ناخواسته اگر عقیده کسی درست نباشد، در دنیا به بدبختی و مشکلات مواجه می شود، و در آخرت مستحق عذاب الهی می شود. الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه: ۱۲۴) ترجمه: کسی که از نصیحت ما (قرآن) روی برگرداند یقیناً (در دنیا) زندگی اش تنگ شود و در روز قیامت او را کور مبعوث کنیم.

از همین جهت بود که رسول اکرم ﷺ قسمت زیادی از دعوت خویش را به اصلاح عقیده اختصاص داد و قرآن کریم در دوره مکی که سیزده سال را در بر گرفت، توجه خود را بیشتر به اصلاح عقیده و تربیت اعتقادی و ایمانی مردم متمرکز نمود.

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ نیز جایگاه عقاید در میان مسلمانان همواره از اهمیت فوق العاده یی برخوردار بوده است و زمانی که حرکت تدوین و تألیف در رشته های مختلف علوم اسلامی، برای پاسخگویی به نیازهای جدید جوامع اسلامی، آغاز گردید، باز هم توجه دانشمندان مسلمان از همه بیشتر به بحثها و مسائل اعتقادی معطوف گردید و مسلمانان از آن وقت تا امروز، نظر به مقتضای زمان بهترین وقوی ترین کتابها را در باره بیان و دفاع از باورهای دینی به رشته تحریر در آوردند و در اختیار تشنگان و جویندگان علم و دانش قرار دادند.

از همین جهت بود که اداره انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان، گنجاندن مضمون عقاید را در دوره متوسطه مدارس دینی از جمله ضروریات تشخیص داد و برای هر کدام از صنوف هفتم و هشتم و نهم، اقدام به تألیف کتاب مستقل و جداگانه در این باب نمود. شایان ذکر است که تألیف کتابهای صنف هفتم و هشتم به زبان پشتو و دری و کتاب صنف نهم به زبان عربی صورت گرفت. خداوند برای مؤلفین و مدرسین این کتب پاداش کامل نصیب فرموده دانش آموزان عزیز را از آن بهره مند نماید و منفعت آن را عام بگرداند.

و الله ولی التوفیق

تعریف عقاید، موضوع و اهمیت آن	۱۰۰
ارکان ایمان	۴۰۰
ارکان ایمان (۲)	۷۰۰
توحید باری تعالی	۱۰۰۰
صفات ذاتی و فعلی الله تعالی	۱۲۰۰
چند مثال از صفات ذاتی و فعلی خداوند	۱۴۰۰
صفات الله تعالی ازلی است	۱۷۰۰
قرآن کریم کلام الله تعالی است	۱۹۰۰
صفت های الله تعالی مانند ندارد (۱)	۲۱۰۰
صفت های الله تعالی مانند ندارد (۲)	۲۴۰۰
قضاء و قدر حق است	۲۶۰۰
فطری بودن ایمان و خدا شناسی	۳۰۰۰
افعال بندگان	۳۳۰۰
عصمت پیغمبران	۳۷۰۰
تعداد پیغمبران، وظائف و صفات ایشان	۳۹۰۰
برخی از اوصاف حضرت محمد ﷺ	۴۲۰۰
برترین اشخاص بعد از پیامبران	۴۵۰۰
مسلمان با ارتکاب گناه کافر نمیشود	۴۸۰۰
عقاید اهل سنت و الجماعة	۵۰۰۰
معجزه و کرامت	۵۳۰۰
رؤیت الله تعالی	۵۷۰۰
تعریف ایمان	۵۹۰۰
فرق بین ایمان و اسلام	۶۱۰۰
خدا شناسی و خدا پرستی	۶۵۰۰

۶۹	احوال عالم برزخ
۷۲	شفاعت
۷۴	میزان و حوض
۷۶	حساب، جنت و دوزخ
۷۹	فضیلت و برتری میان آیت‌های قرآنی
۸۲	نزدیکی و دوری به الله تعالی و معراج نبی کریم ﷺ
۸۶	علامات قیامت
۸۹	نواقض ایمان
۹۱	آثار و ثمرات ایمان در زندگی



مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا ضَلَالَ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

سه پرسش فلسفی است که همواره از اعماق فطرت بشری جوشیده و ذهن و عقلش را در طول تاریخ بخود معطوف نموده و مصرانه خواهان دریافت پاسخ قناعت بخش به آنها بوده است: از کجا آمده ام؟ برای چه آمده ام؟ و به کجا خواهم رفت؟

پاسخ یافتن به این پرسش‌ها جهان هستی را تفسیر می‌کند و زندگی را در چشم انسان معنی دار می‌گرداند و برایش در سفر دنیوی هدف، امید و آرمان می‌بخشد. اما اگر چنانچه انسان پاسخی برای این پرسش‌ها فراهم کرده نتواند، زندگی در نگاهش پوچ و بی هدف شده خود را بی تکیه گاه و بی پشتیبانه احساس نموده و در پرتگاه ناامیدی و تلخکامی سقوط خواهد کرد.

از آنجا که عقاید اسلامی بر خلاف عقاید سایر ادیان، ویژگی آسمانی و وحیانی بودن خود را حفظ نموده، دستخوش تحریف و تغییر نگردیده و بنا برین ناب‌ترین باورهای توحیدی و بهترین نوع خداشناسی را در اختیار انسان قرار می‌دهد و به همه پرسش‌هایش جواب قناعت بخش ارائه می‌دارد و راه سعادت را در دنیا و آخرت برایش معرفی می‌کند.

و چنانچه تاریخ اسلامی نشان می‌دهد پیشوای اعظم مسلمانان حضرت امام ابو حنیفه نعمان بن ثابت -رحمه الله- (متوفای سال ۱۵۰ هجری قمری) نخستین کسی بود که عقاید اسلامی را در رساله‌ی تحت عنوان «الفقه الکبیر» به رشته تحریر در آورده است.

چون که رساله یاد شده از مقبولیت و اعتبار بلندی در حوزه‌های علمی و اسلامی برخوردار بوده و می‌باشد، وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان متن این رساله را به عنوان مضمون درسی، برای صنف هشتم مدارس دینی مقرر کرد و ریاست انکشاف نصاب تعلیمی به تهیه شرحی برای آن اقدام نمود.

در تهیه این شرح نکات ذیل در نظر گرفته شده است:

۱. قبل از شروع متن در اول کتاب، یک درس گنج‌انیده شده که در آن: معنای عقیده، موضوع، غرض، اهمیت و مصادر آن بیان گردیده است.
 ۲. متن مطابق به تقسیم اوقات درسی، تقسیم گردیده، هر قسمت آن در آغاز هر درس قرار داده شده است.
 ۳. ارتباط میان درس قبلی و بعدی روشن گردیده است.
 ۴. مطابق به سویه دانش آموزان موضوع هر درس به شیوه آسان و سلیس شرح داده شده است.
 ۵. شرح مسائل اختلافی که امام ابو حنیفه (رح) در متن بر آن اشاره کرده است.
 ۶. تقدیم و تاخیر برخی از مسائل، بخاطر حفظ نظم و تسلسل منطقی میان موضوعات.
 ۷. استناد به قرآن کریم و احادیث صحیح نبوی، برای اثبات مسائل اعتقادی.
 ۸. وضع ارزیابی و سؤالات در آخر هر درس، بخاطر فهم و ذهن نشین شدن موضوعات.
 ۹. استفاده از شروح معتبر فقه اکبر مانند "شرح الفقه الأكبر" تألیف ملاعلی قاری و "شرح الفقه الأكبر" تألیف أبو المنتهی و همچنان استفاده از "شرح العقیده الطحاویة" تألیف ابن ابی العز الحنفی، برای شرح و توضیح متن.
 ۱۰. افزودن دو درس در آخر کتاب، افزون بر متن فقه اکبر، تحت عناوین "نواقض ایمان" و «آثار و ثمرات ایمان در زندگی» به خاطر بالا بردن سطح علمی دانش آموزان.
- در اخیر از خداوند تبارک و تعالی مسئلت می‌نماییم که خوانندگان را توسط این کتاب منفعت برساند و برای آموختن عقیده اهل سنت موفق شان گرداند. هر آئینه خداوند مددگار همه بوده خیر و شر تنها در دست پر قدرت اوست.

تعریف عقائد، موضوع و اهمیت آن

تعریف عقاید

عقائد جمع عقیده و عقیده در لغت از عَقْدُ گرفته شده که معنای محکم بسته کردن را می‌رساند. زمانی که یک چیز سخت و محکم بسته شود، عربها می‌گویند: "اعتقد الشيء" به همین سبب وعده‌هایی را که محکم و تخلف ناپذیر باشد، در عربی (عقود) می‌گویند. باورهای دینی را هم از آن جهت که در اعماق دل محکم می‌شود و گره می‌خورد عقیده و اعتقاد می‌گویند.^(۱)

عقیده در اصطلاح: عبارت است از مجموعه باورهای دینی که در اعماق دل آدمی گره خورده و محکم می‌شود، طوری که دیگر شک و تردید در آن راه نداشته و صاحبش به آسانی از آن منصرف نگردد؛ مانند: باور به وجود باری تعالی، به ارسال پیامبران و برانگیخته شدن پس از مرگ.^(۲)

موضوع علم عقیده

موضوع علم عقیده عبارت است از بنیادهای ششگانهٔ ایمان و آنها عبارتند از: ایمان به خدا، ایمان به فرشتگان خدا، ایمان به کتابهای آسمانی، ایمان به پیام آوران الهی، ایمان به روز آخرت، ایمان به اینکه خیر و شر هر دو از جانب خداوند است (ایمان به قضا و قدر)

هدف علم عقاید:

محکم شدن باورهای دینی و توانایی اثبات آنها در روشنایی دلایل قطعی.

۱- نگاه کنید: ابن منظور: لسان العرب ۲۹۹/۳ و زمخشری: أساس البلاغة ۱۳۱/۲
 ۲- نگاه کنید: محمود شلتوت: الإسلام عقيدة و شريعة ص ۲۲ و محمد حب الله: الحياة الوجدانية والعقيدة الدينية ص - ۲۰۳

اهمیت علم عقاید:

علم عقاید مهم ترین علم‌ها به شمار می‌رود؛ زیرا که انسان به واسطه آن آفریدگار جهان را و هدف آفرینش خویش را می‌شناسد و به وسیله آن باورهای دینی خود را درست می‌کند و از اوهام، خرافات و باورهای باطله در امان می‌ماند؛ در نتیجه مستحق همان پاداشی می‌گردد که خداوند برای بندگان مؤمن خویش وعده کرده است، مانند: پیروز گردانیدن آنان بر دشمنان، سپردن خلافت زمین به دست آنان، اعطای عزت و سعادت برای ایشان در دنیا و بهشت در سرای آخرت.^(۱)

منابع علم عقاید:

عقائد اسلامی از کتاب الله و سنت رسول الله گرفته می‌شود، زیرا که عقاید در باره امور غیبی بحث می‌کند و به دست آوردن معلومات در مورد امور غیبی از طریق عقل و حواس غیر ممکن است. البته عقل و حواس بعضی امور را میتواند اثبات کند و به آن معلومات حاصل نماید، اما معلومات کامل و تفصیلی و صحیح و یقینی تنها از طریق وحی (کتاب و سنت) به دست می‌آید.

در عقائد اولین گام عبارت است از اثبات وجود خداوند و اثبات صدق پیغمبر توسط عقل برداشته می‌شود؛ اما بعد از آن اثبات و شناسایی هر چه مربوط به امور اعتقادی و غیبی است، تنها توسط وحی صورت می‌پذیرد، عقل دیگر در این عرصه نمی‌تواند جولان داشته باشد؛ زیرا هم از حدود قدرت و توانایی اش بیرون است و هم از قلمرو اختصاص و وظیفه اش.

خداوند جل جلاله می‌فرماید:

﴿إِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (سوره نساء: ۵۹)

ترجمه: پس هرگاه که در مورد چیزی اختلاف کردید، آنرا به خدا و رسولش برگردانید.

همچنان می‌فرماید:

۱- نگاه کنید: سوره روم: ۴۷ و سوره حج: ۳۸ و سوره بقره: ۲۵۷ و سوره نساء: ۱۴۱ و سوره نور: ۵۵ و سوره اعراف: ۹۶ و سوره منافقون: ۸ و سوره نحل: ۹۷ و سوره کهف: ۱۰۷-۱۰۸ و سوره لقمان: ۸-۹

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (سوره حشر: ۷)

و آنچه را که رسول الله برای تان آورد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، اجتناب نمایید. به همین ترتیب رسول اکرم ﷺ نیز می‌فرماید: «ترکت فیکم امرین لن تضلوا ماتمسکتُم بهما، کتاب الله و سنة نبیه» یعنی: من در میان شما دو چیز را گذاشتم که تا زمانی به آنها متمسک باشید، هرگز گمراه نمی‌شوید کتاب خدا و سنت پیغامبر را.

فعالیت

دانش آموزان به کمک استاد در مورد اهمیت علم عقاید باهم بحث و گفتگو کنند.

ارزیابی

- ۱- معنای عقیده را از نگاه لغوی واضح سازید.
- ۲- عقیده را از نگاه اصطلاحی، تعریف کنید.
- ۳- موضوع و غرض علم عقاید را روشن سازید.
- ۴- منابع عقیده اسلامی کدام است؟ واضح سازید.
- ۵- در کدام مسائل اعتقادی، به عقل به عنوان یک منبع مراجعه صورت می‌گیرد؟

کارخانه گوی

در باره اهمیت و فواید علم عقاید یک مقاله کوتاه بنویسید.

ارکان ایمان

أَصْلُ التَّوْحِيدِ، وَمَا يَصِحُّ الْإِعْتِقَادُ عَلَيْهِ، يَجِبُ أَنْ يَقُولَ آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ،

ترجمه: بنیاد توحید و آنچه که عقیده بر مبنای آن درست می شود، این است که شخص باید بگوید: ایمان آوردم به خدا - جل جلاله - و به فرشتگان او و به کتابهای او.

شرح

تعریف توحید: توحید در لغت از باب تفعیل و به معنای حکم کردن به یگانگی یک چیز است. در اصطلاح، توحید عبارت است از باور کردن به اینکه تنها الله تعالی شایسته عبادت، آفریدگار، متصرف و مدبر کائنات است و در اسماء و صفات خود شریک و همتا ندارد. علم عقاید، علم توحید نیز نامیده می شود؛ زیرا که توحید بنیاد و اساس آن را تشکیل می دهد. این در حقیقت از باب اطلاق مهم ترین جزء یک شیء بر کل آن می باشد.

ارکان ایمان بطور مفصل

۱- ایمان به الله تعالی

اولین رکن ایمان، ایمان به الله تعالی می باشد و آن عبارت است از: ایمان قلبی و اقرار زبانی به اینکه الله تعالی وجود دارد و تنها او آفریدگار و پروردگار و متصرف و مدبر کائنات و دارای نیکو ترین نامها و عالی ترین صفات کمال بوده، از هر عیب، نقص، ضعف و زشتی پاک و بی همتا و بی نظیر بی نیاز مطلق می باشد و همه موجودات به او نیازمند اند و بنابراین تنها و تنها سزاوار و شایسته عبادت ذات مقدس اوست و بس.

چنانچه خداوند می فرماید:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

(سوره اخلاص: ۱-۴)

ترجمه: بگو که خداوند یکی است، خداوند سرور بی نیازی است که همه به او نیازمند اند و او به کسی نیازمند نیست، نه زاده کسی را و نه از کسی زاده شده است و برای او هیچ همتایی وجود ندارد.

همچنان خداوند می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ (سوره اعراف: ۱۸۰)

و مر خدا راست نام‌های نیکو، پس بخوانید او را با آن نام‌ها.

۲- ایمان به فرشتگان

دومین رکن ایمان، باور داشتن به فرشتگان خدا است. فرشتگان موجودات نورانی هستند که خداوند آنها را از نور آفریده است. فرشتگان نسبت به ما از جهان غیب محسوب می‌شوند و ما آنها را دیده نمی‌توانیم؛ بنا براین ما در باره حقیقت، کیفیت و تعداد فرشتگان معلومات نداریم. آنچه از خلال نصوص دینی (قرآن کریم و حدیث) در باره فرشتگان به دست می‌آید، فشرده اش این است: فرشتگان به مذکر بودن و مؤنث بودن توصیف نمی‌گردند. آنها دارای بالهای دوگانه، سه گانه، چهار گانه و زیاده از آن می‌باشند. قبل از حضرت آدم -علیه السلام- آفریده شده‌اند. آنها همیشه در عبادت پروردگار بوده، مقرب پیشگاه الهی و دارای عزت و مورد تکریم می‌باشند. آنها از گناه معصوم بوده فرامین الهی را بدون چون و چرا اجرا می‌کنند و از پرستش و ستایش پروردگار خسته نمی‌شوند و بدون اجازه پروردگار به کسی شفاعت کرده نمی‌توانند.

برخلاف عقیده مشرکان عرب و پیروان برخی از ادیان باطله، فرشتگان دختران خدا نیستند. زیرا چنانچه در سوره اخلاص آمده خداوند با هیچ کس رابطه نسبی ندارد. قرآن کریم در رد این اعتقاد می‌فرماید:

﴿أَمْ اتَّخَذَ مَا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ﴾ (سوره زخرف: ۱۶)

ترجمه: آیا خداوند از آنچه می‌آفریند برای خود دختر انتخاب کرده و پسران را برای شما برگزیده است؟

و نیز می‌فرماید:

﴿وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾

(سوره زخرف: ۱۹)

ترجمه: (مشرکان) فرشتگان را که بندگان خدایند، زنان قرار داده‌اند، آیا شاهد آفرینش آنها بوده‌اند؟ گواهی ایشان (مبنی بر زن بودن فرشتگان) نوشته خواهد شد و مورد پرسش قرار خواهند گرفت.

۳- ایمان به کتابهای آسمانی

ایمان به کتابهای آسمانی عبارت است از باور و یقین محکم به اینکه خداوند در زمانهای مناسب کتابهایی را از جانب خویش به پیغمبرانش فرستاده است و در آنها راه هدایت و سعادت را به انسانها نشان داده است.

در قرآن کریم نام برخی از آن کتابها ذکر شده؛ مانند: صحیفه‌های نازل شده بر حضرت ابراهیم، تورات برای حضرت موسی، انجیل برای حضرت عیسی، زبور برای حضرت داود -علیهم السلام- و قرآن کریم برای حضرت محمد ﷺ.

اسلام بر ما لازم کرده است تا علاوه بر این به همه کتابهای آسمانی که از جانب خداوند نازل گردیده و نامهای آنها در قرآن ذکر نشده و تعدادش معلوم نیست، ایمان داشته باشیم. آخرین کتابهای آسمانی قرآن کریم می‌باشد. بر همه جهانیان فرض است تا به قرآن کریم ایمان بیاورند؛ زیرا قرآن کریم خلاصه همه کتابهای گذشته را در خود جمع نموده و آنها را منسوخ کرده است. گذشته از آن، متن قرآن کریم از تحریف و تبدیل مصئون مانده در حالی که کتابهای سابقه دستخوش تحریف و تبدیل قرار گرفته است.

فعالیت صنفی

دانش آموزان در مورد دو رکن اولی ایمان که در این درس خواندند در میان خود به بحث و گفتگو بپردازند.

ارزیابی



- ۱- منظور از ارکان اسلام چیست؟
- ۲- ایمان به خداوند متعال چه معنی دارد؟
- ۳- صفات فرشتگان را ذکر کنید.
- ۴- کتابهایی که نام آنها در قرآن کریم ذکر شده کدام‌ها هستند؟
- ۵- آیا تعداد دقیق کتابهای آسمانی معلوم است؟

کار خانگی



در باره ارکان ایمان یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

ارکان ایمان (۲)

و رُسُلِهِ، وَ الْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَ شَرِّهِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى.
وَالْحِسَابُ، وَ الْمِيزَانُ، وَ الْجَنَّةُ، وَ النَّارُ، وَ ذَلِكَ كُلُّهُ حَقٌّ.

ترجمه: و (ایمان داریم) به پیامبران خدا و به زنده شدن بعد از مرگ (روز قیامت) و ایمان داریم به اینکه تقدیر و اندازه خیر و شر از جانب او تعالی است.
و همچنان (ایمان داریم) به حساب، میزان، بهشت و دوزخ و باور داریم که همه آنها حق و راست است.

شرح

۴- ایمان به پیامبران خدا

مطابق به رأی جمهور علماء، «رسول» پیامبری است که شریعت و کتاب مستقل آورده باشد اما «نبی» عام تر از آن است، یعنی نبی پیامبر است برابر است که شریعت و کتاب مستقل آورده باشد یا نه. اما از متن چنین معلوم می شود که میان رسول و نبی فرقی وجود ندارد. امام ابن الهمام -رحمه الله-^(۱) هم همین رأی را برگزیده است. در هر صورت ایمان به همه پیامبران چه کتاب و شریعت مستقل و جداگانه آورده باشد و چه نیاورده باشد، فرض است. محتوای دعوت همه پیامبران یکی است و آن عبارت است از: توحید و عبادت خدای یگانه. چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ (سورة انبياء: ۲۵)

ترجمه: و نفرستادیم قبل از تو پیامبری را مگر اینکه وحی کردیم به او که نیست

۱- امام محمد بن عبدالواحد، مشهور به ابن الهمام مؤلف فتح القدير شرح هداية

معبودی مگر من، پس تنها مرا پرستید.

و همچنان می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (سوره نحل: ۳۶)

ترجمه: و یقیناً فرستادیم در هر امت پیامبری (و توسط وی از ایشان خواستیم که) تنها خدا را پرستش کنید و از (پرستش) طاغوت (هر آنچه غیر از خدا پرستیده می شود) پرهیزید.

۵- ایمان به روز آخرت

ایمان به روز آخرت، یعنی باور کردن به اینکه پس از زندگی دنیا زندگی دیگری خواهد بود در جهان دیگر. آن جهان آخرت نام دارد. در آن جهان همه مرده ها دوباره زنده شده و در یک جای جمع آوری خواهند شد و در آنجا هر کس انجام و نتیجه کار خود را به دست خواهد آورد و روانه جنت یا دوزخ خواهد شد.

جهان آخرت که با رستاخیز عظیم آغاز می شود شامل توزیع نامه های اعمال، حساب و کتاب، میزان، حوض، پل صراط، شفاعت، جنت و دوزخ می گردد. ایمان و باور به روز آخرت از جمله مسلمات و ضروریات دین به حساب می رود و انکار آن کفر است.

زیرا خداوند در آیات زیادی از قرآن کریم به آمدن آن روز تأکید کرده از جمله می فرماید: «وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (سوره بقره: ۴) و (مؤمنان کسانی هستند که) به روز آخرت باور دارند.

و نیز می فرماید: ﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ﴾ (سوره مؤنون: ۱۶)

سپس شما روز قیامت (از قبر ها) بر انگیزخته می شوید.

۶- ایمان به تقدیر

منظور از ایمان به تقدیر این است که باید باور داشته باشیم خداوند هر آنچه را که آفریده تقدیر و اندازه آنرا نیز قبلاً معلوم کرده است و هر آنچه که از خیر و شر رخ می دهد و تازه پیدا می شود، خداوند آنرا در لوح محفوظ قبلاً نوشته کرده است.

خداوند در این باره می فرماید:

﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ (سوره فرقان: ۲)

ترجمه: و (خداوند) هر چیز را آفریده و اندازه آنرا معین کرده است.

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ (سوره قمر: ۲)

ترجمه: ما هر چیز را به یک اندازه معلوم خلق کردیم.

ایمان آوردن به تقدیر به این معنا است که باید آدم باور داشته باشد که هر آنچه در جهان هستی واقع می‌شود، چه بد باشد و چه خوب، چه زیان باشد و چه سود و هر آنچه بر آن احاطه کرده از زمان و مکان و هر آنچه که بر آن مرتب می‌گردد از ثواب و عقاب، همه آن از جانب آفریدگار متعال می‌باشد. همچنان باید بداند که نوشته خداوند در رابطه به سرنوشت انسانها در لوح محفوظ، توصیفی است نه امری و الزامی، یعنی پروردگار نوشته کرده که فلان بنده چنین و چنان خواهد کرد نه اینکه چنین و چنان باید بکند.

فعالیت

شاگردان به کمک استاد در باره فواید ایمان با هم گفتگو نمایند.

ارزیابی

- ۱- فرق میان رسول و نبی را بیان کنید.
- ۲- هدف از بعثت پیامبران چیست؟
- ۳- ایمان به روز آخرت شامل چه چیزهایی می‌شود؟
- ۴- فرضیت ایمان به تقدیر با چه دلیلی ثابت می‌شود؟

کارخانه گي

در باره جهان آخرت در حدود پنج سطر یک مطلب بنویسید.

توحید باری تعالی

وَاللَّهُ تَعَالَى وَاحِدٌ لَا مِنْ طَرِيقِ الْعَدَدِ، وَلَكِنْ مِنْ طَرِيقِ أَنَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَمْ يَلِدْ، وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ.
لَا يُشَبِّهُ شَيْئًا مِنَ الْأَشْيَاءِ مِنْ خَلْقِهِ، وَلَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ.

ترجمه: الله تعالی یکی است نه از روی عدد، بلکه از این رو که شریک ندارد نه زائیده و نه زائیده شده و برای او همتایی وجود ندارد.

به هیچ یک از مخلوقاتش مشابَهت ندارد و هیچ یک از مخلوقاتش به وی مشابَهت ندارد.

شرح

یگانگی یا یکی بودن از نگاه عدد به این معناست که پس از عدد یک، اعداد دیگری می آید و گفته می شود یک، دو، سه، چهار و غیره، پس یک بودن در اینجا به معنای قبل از دو بودن است، اما یگانگی خداوند به این معنا نیست؛ بلکه به این معنا است که وی شریک و همتا ندارد.

امام ابوحنیفه در متن بالا با اشاره به محتوای سوره اخلاص، این مطلب را ثابت کرده است. چنانچه خداوند در سوره اخلاص به این حقیقت تأکید نموده و ادعای مشرکین مبنی بر دختران خدا بودن فرشتگان و ادعای یهود مبنی بر پسر خدا بودن عزیر - علیه السلام - و ادعای نصارا مبنی بر پسر خدا بودن عیسی مسیح - علیه السلام - را و ادعای کسانی را که منکر وحدانیت آفریدگارند رد کرده و بی نیازی آفریدگار جهان و منزّه بودن وی از شبیه همتا و همکار را به اثبات رسانیده است.^(۱) چنانچه در آیه دیگری فرموده است:

﴿وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ﴾ (سوره محمد: ۲۲)

ترجمه: الله تعالی غنی و بی نیاز است و شما فقیر و نیازمند.

۱- ترجمه سوره اخلاص در درس دوم گذشت.

مفهوم آیت این می شود: پس وقتی که خداوند از همه چیز و از همه کس بی نیاز است، چرا برخی از مخلوقات را نسبت فرزندى به وی می دهید؟ در حالی که فرزند داشتن نوعی احتیاج به شمار می رود.

پس از آن امام ابو حنیفه مسأله تشبیه را مطرح نموده علاوه می کند:

خداوند نه به هیچ یک از مخلوقات مشابَهت دارد و نه هیچ یک از مخلوقات به وی مشابَهت دارد. این مطلب در حقیقت شرح آیه **﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾** است؛ زیرا که پسر از یک نگاه به پدرش مشابَهت دارد، در حالی که خداوند نه پدر است و نه پسر، نه حادث است و نه محل وقوع حوادث؛ چنانچه می فرماید:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (سوره شوری: ۱۱)

ترجمه: نیست مانند او چیزی و او شنوای بیناست.

فعالیت صنفی

شاگردان به چند دسته تقسیم شده، در باره توحید باری تعالی باهم صحبت کنند.

ارزیابی

- ۱- توحید پروردگار چه معنی دارد؟
- ۲- جمله «الله واحد لا من طريقة العدد» را توضیح دهید.
- ۳- خداوند در سوره اخلاص ادعای کدام گروهها را رد کرده است.
- ۴- معنای «الله الصمد» را بنویسید.
- ۵- **﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾** را معنا کنید.

کارخانه گي

در باره توحید باری تعالی مطلبی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.

صفات ذاتی و فعلی الله تعالی

لَمْ يَزَلْ، وَلَا يَزَالُ، بِأَسْمَائِهِ وَصِفَاتِهِ الذَّاتِيَّةِ، وَالْفِعْلِيَّةِ.

ترجمه: الله تعالی با اسماء و افعال ذاتی و فعلی اش، برای دایم هست و دایم خواهد بود.

شرح

امام ابوحنیفه رحمه الله در این درس می‌خواهد بگوید که الله تعالی موجود بوده و برای همیشه موجود خواهد بود؛ یعنی الله تعالی اول و آخر همه چیز بوده و به همه اسماء و صفات مقدس خویش از اول مسمی و موصوف شده است و هیچ نام و صفت جدیدی برای او تازه به وجود نیامده است.^(۱)

اسمای باری تعالی

خداوند دارای نیکوترین نامهاست. هر نام پروردگار دلالت بر یک صفت دارد. تعداد نامهای خداوند را جز خودش کس دیگری نمی‌داند، در یک حدیث به نودونه نام وی اشاره شده است، اما به هیچ وجه به این عدد منحصر نمی‌باشد.

برخی از نامهای پروردگار متعال از این قرار است: واحد، احد، صمد، قیوم، خالق، مصور، رحمن، رحیم، لطیف، رزاق، واسع، عظیم، عزیز، حکیم، علیم، حافظ، هادی، محیی، ممیت و وارث. بزرگ‌ترین، جامع‌ترین و برترین نامهای آفریدگار «الله» است که اسم ذات وی بوده و جامع همه معانی موجود در سایر اسماء و صفات وی می‌باشد. الله یعنی: سزاوار پرستش و دارنده همه صفات جمال و جلال و کمال و شایسته الوهیت و ربوبیت و منزّه از هر عیب و نقص.

ما باید در دعاهاى خود، از اسمای الهی به عنوان وسیله استفاده نماییم و خدا را توسط آنها

۱. تفصیل این موضوع تحت عنوان (صفت های الله تعالی ازلی است) می آید.

نیایش کنیم. چنانچه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ (اعراف: ۱۸۰)

ترجمه: و خدا راست نیکوترین نامها، پس او را با آنها بخوانید.

انواع صفات باری تعالی

صفات باری تعالی از یک نگاه به دو نوع تقسیم می‌شود: صفات ذاتی و صفات فعلی.

صفات ذاتی: صفاتی ذاتی، صفاتی است که الله تعالی بر ضد آن موصوف نمی‌شود؛ مانند: حیات، علم و قدرت. الله تعالی بر همین صفات موصوف می‌گردد و گفته میشود که الله تعالی زنده، عالم و باقدرد می‌باشد؛ اما بر ضد این صفات که مرگ، نادانی و ناتوانی اند موصوف نمیشود.

صفات فعلی: صفات فعلی، صفاتی است که الله تعالی بر ضد آن موصوف میشود، مانند: تخلیق (آفریدن)، تزئین (روزی دادن)، احیاء (زنده کردن)، امانت (میراندن) و غیره. الله تعالی هم بر همین صفات و هم بر ضد آنها موصوف شده می‌تواند؛ مثلاً گفته می‌شود: الله تعالی فلان چیز را آفریده و فلان چیز را نیافریده. به فلان روزی داده و به فلان نداده، فلان را زنده گردانیده و فلان را میرانده است.

ارزیابی



- ۱_ مطلب از عبارت «لم یزل ولا یزال بأسمائه و صفاته الذاتیة والفعلیة» را واضح سازید.
- ۲_ صفات الله تعالی بر چند نوع تقسیم می‌شود؟ بیان دارید.
- ۳_ فرق بین صفات ذاتی و فعلی را واضح سازید.

کارخانه گی



در مورد صفت های ذاتی و فعلی الله تعالی، یک مطلب بنویسید که از چهار سطر کم نباشد.

چند مثال از صفات ذاتی و فعلی خداوند

أما الذاتية: فالحياة، والقدرة، والعلم، والكلام، والسمع، والبصر، والإرادة.
وأما الفعلية: فالتخليق، والترزيق، والإنشاء، والإبداع، والصنع، وغير ذلك من صفات
الفعل.
لم يزل ولا يزال بصفاته وأسمائه، لم يحدث له صفة، ولا اسم.

ترجمه: صفات ذاتی الله تعالی عبارت است از: حیات (زندگی)، قدرت (توانایی)، علم (دانایی)، کلام (گویایی)، سمع (شنوایی)، بصر (بینایی) و اراده است.
صفات فعلی الله تعالی عبارت است از: تخلیق (آفریدن)، ترزیق (روزی دادن)، انشاء (آفریدن)، ابداع (به طور جدید آفریدن)، صنع (ساختن) و غیره.
الله تعالی به طور دایم به اسمای خویش مسمی و به صفات خویش موصوف می باشد و به طور
همیش به اسماء و صفاتش موجود بوده و می باشد.
برای الله تعالی نه کدام اسم و صفت جدید پیدا شده و نه پیدا می شود.

شرح

صفات ذاتی الله تعالی

۱_ **حیات:** صفت ازلی و ابدی الله تعالی بوده مقتضی علم کامل برای او می باشد،
بنابراین الله تعالی به حیات ازلی و ابدی خویش زنده جاوید است؛ چنانچه خداوند می فرماید:
﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ (سورة بقره: ۲۵۵)
ترجمه: خداوند ذاتی است یگانه که معبودی جز او نیست. او زنده و پاینده و تدبیر کننده
(جهان) است.

۲_ قدرت: قدرت، صفت ازلی الله تعالی است و الله تعالی به قدرت ازلی و ابدی اش ستایش شده است و می شود؛ چنانچه می فرماید:

﴿وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (سوره مائده: ۴۰)

ترجمه: الله تعالی بر هر چیز قدرت کامل دارد.

۳_ علم: علم، از صفات ذاتی الله تعالی است. الله تعالی بر همه موجودات زمینی و آسمانی به علم ازلی خویش دانا است. الله تعالی درین مورد می فرماید:

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (سوره انعام: ۵۹)

ترجمه: کلیدهای علم غیب نزد اوست و جز او کس دیگری آنها را نمی داند و میداند آنچه در خشکه و دریا است و هیچ برگی نمی افتد مگر اینکه او آنرا می داند و هیچ دانه یی در تاریکی های زمین و هیچ تری و خشکی نیست مگر اینکه ثبت است در کتاب روشن.

۴_ کلام: یکی از صفات ذاتی خداوند تعالی کلام است. الله تعالی توسط کلام خویش که صفت ازلی اوست متکلم می باشد.

الله تعالی می فرماید:

﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ (سوره نساء: ۱۶۴)

ترجمه: و الله تعالی با موسی سخن گفت.

۵-۶_ سمع و بصر: نیز از صفات ذاتی الله تعالی سمع و بصر است، الله تعالی شنونده و بیننده است از شنیدن و دیدن او تعالی هیچ چیز ولو هر قدر خفی و کوچک باشد، پوشیده نمی ماند.

۷_ اراده: اراده، از صفات ذاتی الله تعالی می باشد و این همان صفتی است که خداوند بر مبنای آن در وقت معین به انجام کاری اقدام می نماید و یا آنرا ترک می گوید. هیچ کس مانع اراده خداوند شده نمی تواند. الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ﴾ (سوره مائده: ۱)

ترجمه: هر آینه الله تعالی فرمان می دهد به آنچه می خواهد.

الله تعالی علاوه بر صفات متذکره دارای صفات ذاتی دیگری نیز می باشد؛ مانند: احدیت

(یگانگی)، صمدیت (بی نیازی)، عظمت و کبریایی (بزرگی) و غیره.^(۱)

صفات فعلی الله تعالی

برخی از صفات فعلی خداوند عبارت است از:

- ۱_ **تخلیق:** آفریدن
 - ۲_ **ترزیق:** به همه مخلوقات روزی دادن.
 - ۳_ **انشاء:** یک چیز را نخستین بار آفریدن
 - ۴_ **ابداع:** آفریدن اشیا بدون مثال سابق.
 - ۵_ **صنع:** ساختنی که استحکام و نوع نظام در آن در نظر گرفته شده باشد؛ چنانچه الله تعالی می فرماید:
﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ (سوره نمل: ۸۸)
- ترجمه: ساخت خدایی که استوار و محکم ساخت هر چیز را. هر آئینه وی خبردار است به آنچه می کنید.
- غیر آنچه که ذکر شد الله تعالی دارای صفات فعلی دیگری نیز می باشد؛ مانند: احیاء (زنده کردن)، افناء (نابود کردن) و غیره.

ارزیابی

- ۱_ صفات ذاتی خداوند را اجمالاً بیان نمایید.
- ۲_ برای صفات فعلی الله تعالی مثال ها بیاورید.
- ۳_ راجع به علم الله تعالی یک دلیل قرآنی بیان دارید.
- ۴_ مطلب جمله: «لم يحدث له صفة ولا اسم» چیست؟

کارخانه گي

در مورد صفات ذاتی و فعلی خداوند متعال یک مقاله کوتاه بنویسید.

۱- در این مورد به شرح فقه اکبر تألیف ملا علی قاری مراجعه نمایید.

صفات الله تعالى ازلی است

لَمْ يَزَلْ عَالِمًا بِعِلْمِهِ، وَالْعِلْمُ صِفَةٌ لَهُ فِي الْأَزَلِ، وَقَادِرًا بِقُدْرَتِهِ، وَالْقُدْرَةُ صِفَةٌ لَهُ فِي الْأَزَلِ، وَمُتَكَلِّمًا بِكَلَامِهِ، وَالْكَلَامُ صِفَةٌ فِي الْأَزَلِ، وَخَالِقًا بِتَخْلِيْقِهِ، وَالتَّخْلِيْقُ صِفَةٌ فِي الْأَزَلِ وَفَاعِلًا بِفَعْلِهِ، وَالْفِعْلُ صِفَةٌ فِي الْأَزَلِ.
وَالْفَاعِلُ هُوَ اللَّهُ تَعَالَى، وَالفِعْلُ صِفَةٌ فِي الْأَزَلِ.
وَالْمَفْعُولُ مَخْلُوقٌ، وَفَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى غَيْرُ مَخْلُوقٍ.
وَصِفَاتُهُ فِي الْأَزَلِ غَيْرُ مُحَدَّثَةٍ، وَلَا مَخْلُوقَةٍ، وَمَنْ قَالَ إِنَّهَا مَخْلُوقَةٌ، أَوْ مُحَدَّثَةٌ أَوْ وَقَفَ أَوْ شَكَّ فِيهَا فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ تَعَالَى.

ترجمه: او همیشه به علم خویش عالم است و علم صفت ازلی او است و قادر است به قدرت خویش و قدرت صفت ازلی اوست و متکلم است به کلام خود و کلام صفت ازلی اوست و خالق است به تخلیق خویش و تخلیق صفت ازلی اوست.
الله تعالی فاعل است به فعل خویش و فعل صفت ازلی اوست، فاعل، الله و فعل صفت ازلی اوست.

و مفعول مخلوق است و فعل الله تعالی مخلوق نیست. هکذا صفات الله تعالی در ازل نه حادث است و نه مخلوق و کسی که میگوید که صفات الله تعالی مخلوق است و یا نو پیدا شده و یا در آن توقف و یا شک نماید، این شخص کافر است.

شرح

پس از آنکه امام اعظم - رحمه الله - مثالهای صفات ذاتی و فعلی خداوند را بیان داشت، درین درس به بیان ازلی و ابدی و همیشگی بودن این صفات پرداخته می‌فرماید: لم یزل

ولایزال... یعنی الله تعالى به طور دایم به همه صفات کمال موصوف بوده، اسم جدید و یا صفت جدیدی برای او پیدا نشده؛ بلکه همه صفات وی ازلی بوده آغاز ندارد و ابدی بوده انتها و پایان ندارد.

امام اعظم رحمه الله برای وضاحت بیشتر این موضوع، صفات مشهور خداوند متعال را به حیث مثال بیان فرموده، می گوید: الله تعالى به علم ازلی خویش که صفت ازلی اوست به همه چیز عالم است و علم او ازلی و ابدی بوده زیادت و نقصان را نمی پذیرد.

همچنان الله تعالى با قدرت ذاتی خویش که صفت ازلی اوست، قادر به همه چیز است و قدرت صفت ازلی و ابدی او است.

همچنان الله تعالى توسط کلام ذاتی اش که صفت ازلی اوست، همواره متکلم و سخن گوینده است و کلام صفت ازلی اوست. هکذا الله تعالى، در ازل آفریننده بوده آفرینندگی صفت ازلی اوست.

همچنان الله تعالى با صفات فعلی خویش فاعل و فعل صفت ازلی اوست او فَعَّال مطلق است، در فعل، صنع، حکم و امر او هیچ کس شریک نیست.

الله تعالى قبل از آفرینش مخلوقات خالق و باری بوده نامها و صفات «خالق» و «باری» پس از خلق آنها پیدا نشده است. اگر کسی بگوید که صفات الله مخلوق است یا تازه پیدا شده و یا در آن توقف و یا شک نماید، این شخص بر الله تعالى و صفات او کافر است.

ارزیابی

- ۱_ آیا صفات الله تعالى ازلی است یا حادث؟
- ۲_ اگر کسی در ازلیت صفات الله تعالى توقف و یا شک نماید چه حکم دارد؟
- ۳_ مثالهایی که درین درس در باره ازلی بودن صفات الله تذکر یافته است، بیان دارید.

کارخانه گی

خلاصه محتوای درس را در کتابچه های خود بنویسید.

قرآن کریم کلام الله تعالى است

والقرآنُ كلامُ الله تعالى، في المصاحفِ مكتوبٌ، وفي القلوبِ محفوظٌ وعلى الألسنِ مقروءٌ، وعلى النبيِّ عليه الصلاة والسلام مُنزلٌ.

ولفظنا بالقرآنِ مخلوقٍ، وكتابتنا له مخلوقةٌ، وقراءتنا له مخلوقةٌ، والقرآنُ غيرُ مخلوقٍ.

وما ذكره الله تعالى في القرآنِ حكايةً عن موسى، وغيره من الأنبياء عليهم السلام، وعن فرعونَ، وإبليسَ فإنَّ ذلك كله كلامُ الله تعالى إخباراً عنهم، وكلامُ الله تعالى غيرُ مخلوقٍ، وكلامُ موسى، وغيره من المخلوقين مخلوقٌ.

والقرآنُ كلامُ الله تعالى فهو قديمٌ لا كلامٍ لهم، وسمعَ موسى عليه السلام كلامَ الله تعالى كما في قوله تعالى "وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا".

وقد كان الله تعالى متكلماً، ولم يكنْ كلامُ موسى عليه السلام، وقد كان الله تعالى خالقاً في الأزل، ولم يخلق الخلقَ.

ليس كمثله شيءٌ، وهو السميعُ البصيرُ، فلما كلمَ الله موسى، كلمه بكلامه الذي هو له صفةٌ في الأزل.

ترجمه: قرآن کریم کلام خدا است، در اوراق نوشته شده و در سینه‌ها محفوظ گشته و به زبان‌ها خوانده شده و بر نبی کریم ﷺ نازل گردیده است.

تلفظ ما به قرآن مخلوق است و نوشتن ما آنرا مخلوق است؛ اما قرآن کریم مخلوق نیست.

آنچه که خداوند در قرآن کریم از موسی علیه السلام و سایر انبیاء علیهم السلام یا از فرعون و ابلیس حکایت نموده، این همه کلام الله تعالى بوده که از آنها حکایت می نماید و مخلوق نیست؛ اما سخن موسی علیه السلام و سخن سایر مخلوقات، مخلوق است.

و قرآن کریم کلام خدا بوده و قدیم است و سخن سایر مخلوقات قدیم نیست. موسی علیه السلام کلام الله تعالی را شنیده، چنانچه الله می فرماید:

«و کلم الله موسی تکلیما» یعنی الله تعالی با موسی علیه السلام طور یقینی و بدون واسطه سخن گفته است.

الله تعالی قبل ازینکه با موسی علیه السلام سخن بگوید متکلم بود و قبل ازینکه مخلوق را پیدا نماید در ازل خالق بود.

هیچ چیز از مخلوق با الله مشابَهت ندارد، او تعالی شنونده و بیننده هر چیز است، و آنگاه که الله تعالی با موسی علیه السلام سخن گفت با همان کلامی با او سخن گفت که صفت ازلی اوست.

شرح

تعریف قرآن کریم: قرآن در لغت بر وزن غفران و به معنی قرائت و خواندن است و در اصطلاح، قرآن همان کتابی است که الله تعالی برای هدایت مردم به حضرت محمد صلی الله علیه و آله توسط جبریل امین نازل فرموده و از طریق متواتر به ما رسیده است و با تلاوت آن عبادت انجام داده می شود.

ما باور داریم که قرآن کریم کلام الهی است؛ اما کیفیت آنرا که خداوند چگونه آنرا گفته و بیان کرده، نمی دانیم. این کتاب از او آغاز شده و توسط وحی بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل گردیده و مؤمنان بطور یقینی آنرا تصدیق کرده اند و برای ما از طریق روایت متواتر^(۱) رسیده است. قرآن مانند کلام مردم مخلوق نیست و اگر کسی به این باور باشد که قرآن مخلوق است و یا کلام بشر است، کافر میشود.

ما زمانی که قرآن کریم را تلفظ، تلاوت و یا تحریر می کنیم، تلفظ و کتابت ما از جمله افعال ما محسوب شده مانند سایر افعال ما مخلوق می باشد؛ اما قرآن کریم که کلام خداست غیر مخلوق می باشد؛ چنانچه الله تعالی می فرماید:

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ (سورة صافات: ۹۶)

ترجمه: و الله پیدا کرد شما را و آنچه می کنید.

۱- تواتر: به روایتی گفته میشود که تعداد راویان آن به اندازه شان باشد که اتفاق شان به دروغ ممکن نباشد.

فعالیت

بین صفات الله و مخلوق هیچ نوع مشابهتی وجود ندارد. ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (سوره شوری: ۱۱)

ترجمه: نیست مانند او چیزی و اوست شنوا و بینا.

ارزیابی

- ۱_ قرآن کریم را تعریف نمایید؟
- ۲_ قرآن کریم قدیم و ازلی است و یا حادث و جدید؟
- ۳_ تلفظ ما به قرآن کریم و کتابت و قرائت ما مخلوق است یا غیر مخلوق؟

کارخانه گي

یک مقاله در باره قرآن کریم بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.

صفت های الله تعالى مانند ندارد (۱)

وصفاته كُلُّهَا بِخِلَافِ صفاتِ المخلوقين.
يَعْلَمُ لَا كَعِلْمِنَا، وَيَقْدِرُ لَا كَقُدْرَتِنَا، وَيَرَى لَا كَرُؤَيْتِنَا، وَيَتَكَلَّمُ لَا كَكَلَامِنَا، وَيَسْمَعُ لَا كَسَمْعِنَا، وَنَحْنُ نَتَكَلَّمُ بِالْأَلَاتِ، وَالْحُرُوفِ، وَاللَّهُ تَعَالَى يَتَكَلَّمُ بِلا آلَةٍ وَلَا حُرُوفٍ.
وَالْحُرُوفُ مَخْلُوقَةٌ، وَكَلَامُ اللَّهِ تَعَالَى غَيْرُ مَخْلُوقٍ.
وَهُوَ شَيْءٌ لَا كَالْأَشْيَاءِ، وَمَعْنَى الشَّيْءِ إِثْبَاتُهُ بِلا جِسْمٍ، وَلَا جَوْهَرٍ، وَلَا عَرْضٍ.

ترجمه: صفت های خدا همه بر خلاف صفات مخلوق است.

می داند اما نه مثل دانایی ما، قدرت دارد اما نه مثل قدرت ما، می بیند اما نه مثل دیدن ما، سخن می گوید نه مثل سخن ما، می شنود نه مثل شنیدن ما، ما توسط آلات و حروف سخن می گوئیم، اما الله تعالى بدون آلات و حروف سخن می گوید.
حروف مخلوق است و کلام الله تعالى مخلوق نیست.
الله تعالى شیء است اما نه مثل سایر اشیاء، و معنای شیء بودن الله تعالى ثابت کردن ذات اوست بدون جسم و جوهر و عرض، یعنی الله تعالى شیء است اما بدون اینکه به جسم داشتن و یا جوهر و عرض بودن متصف گردد.

شرح

صفات الله تعالى با صفات مخلوق مشابَهت ندارد، همانطوری که ذات او تعالی با ذات مخلوق مشابَهت ندارد؛ زیرا هیچ چیز مانند خدا نیست، نه در ذات، نه در صفات و نه در افعال. یعنی هیچ مخلوق بر صفات مخصوص الله تعالى موصوف شده نمی تواند؛ چنانچه الله تعالى می فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾

الله تعالی علم دارد، اما نه مثل علم ما؛ زیرا ما توسط آلات و اسباب و مطابق فهم خویش علم داریم، اما الله تعالی بر حقایق همه اشیاء توسط علم ذاتی و ابدی خویش علم دارد. همچنان بین قدرت ما و قدرت خدا و بین شنیدن ما و شنیدن خدا و بین کلام ما و کلام خدا تفاوت بزرگی موجود است.

فعالیت

برخی از معتزلی‌ها^(۱) به ابو عمرو بن العلاء^(۲) که از جمله قاریان هفتگانه بشمار میرود، گفتند که باید آیت: ﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ (سوره نساء: ۱۶۴) به نصب اسم الله تلاوت شود تا متکلم موسی شود نه الله تعالی. ابو عمرو بن العلاء برایش گفت: اگر ما این آیت را مطابق میل شما بخوانیم، اما در مورد آیت زیر که خداوند به صراحت متکلم قرار گرفته است، چه خواهید کرد؟ ﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ﴾ (سوره اعراف: ۱۴۳)

ارزیابی

- ۱_ مطلب از این جمله فقه اکبر که میگوید «و صفاته بخلاف صفات المخلوقین» چیست؟
- ۲_ آیا کلام از جمله صفات الله تعالی است؟
- ۳_ آیا می توان خداوند را شیء گفت؟ واضح سازید.

کارخانه گی

قصه ابو عمرو بن العلاء با معتزلی‌ها را با ترجمه آیت‌هایی که در آن قصه ذکر شده، در کتابچه های خود بنویسید.

۱. معتزله یک فرقه از مسلمانان بودند که متأسفانه در مورد صفات الله تعالی منحرف شده و قرآن کریم را مخلوق میدانستند، مؤسس این فرقه واصل بن عطاء (۸۰-۱۳۱ ه.ق.) بود و از جمله شخصیت های مشهور دیگر آنها ابو الهزیل علاف (ت: ۳۳۵) و ابراهیم نظام (ت: ۲۳۱) است.
۲. ابو العلاء بن عمار التمیمی البصری از استادان بزرگ زبان و ادبیات عربی و از جمله قاریان هفت گانه مشهور می باشد، وفات وی در سال ۱۵۴ هجری واقع شده است. درین مورد به کتاب سیر أعلام النبلاء (۴۰۷/۶-۴۱۰) مراجعه کنید.

صفت های الهی تعالی مانند ندارد (۲)

وَلَا حَدَّ لَهُ، وَلَا ضِدَّ لَهُ، وَلَا نِدَّ لَهُ، وَلَا مِثْلَ لَهُ.
وَلَهُ يَدٌ، وَوَجْهٌ، وَنَفْسٌ، كَمَا ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْقُرْآنِ فَمَا ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْقُرْآنِ مِنْ
ذِكْرِ الْوَجْهِ، وَالْيَدِ، وَالنَّفْسِ، فَهُوَ لَهُ صِفَاتٌ بِلَا كَيْفٍ.
وَلَا يُقَالُ إِنَّ يَدَهُ قُدْرَتُهُ، أَوْ نِعْمَتُهُ لِأَنَّ فِيهِ إِبْطَالَ الصِّفَةِ وَهُوَ قَوْلُ أَهْلِ الْقَدَرِ، وَالْإِعْتِزَالِ
وَلَكِنَّ يَدَهُ صِفَتُهُ بِلَا كَيْفٍ.
وَعُظْبُهُ، وَرِضَاهُ صِفَتَانِ مِنْ صِفَاتِ اللَّهِ تَعَالَى بِلَا كَيْفٍ

ترجمه: الهی تعالی حد، ضد، همتا و مثل ندارد.

او دارای ید، روی و نفس است. آنچه در قرآن درباره روی و ید و نفس ذکر شده صفات بلا کیف او میباشد.

و گفته نمی شود مراد از دست قدرت و یا نعمت است؛ زیرا که در این صورت صفتی از صفات او تعالی نفی می شود و این روش مذهب قدریه و معتزله می باشد، بلکه (از نظر ما) ید، صفت بلا کیف او تعالی است.

همچنانکه خشم و خوشنودی صفات بلا کیف الهی تعالی است.

شرح

عقیده اهل سنت در باره صفات: اهل سنت و جماعت، برای الهی تعالی همه آن صفاتی را که او در قرآن برای خود و یا رسول اکرم ﷺ برای او تعالی ثابت نموده است، ثابت می نمایند؛ اما در مورد کیفیت و چگونگی آن حرف نمی زنند. الهی تعالی در مورد «وجه» (روی) می فرماید:

﴿فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (سوره بقره: ۱۱۵)

ترجمه: پس به هر سو که رو آورید همانجا روی خداست. هر آینه خدا فراخ نعمتِ داناست.

در مورد «ید» می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (سوره فتح: ۱۰)

ترجمه: هر آینه آنانی که (در حدیبیه) باتو بیعت می کنند در حقیقت با خدا بیعت می کنند دست خدا بالای دست ایشان است.

در مورد نفس، الله تعالی از حضرت عیسی علیه السلام حکایت میکند و می فرماید:

﴿تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (سوره مائده: ۱۱۶)

ترجمه: میدانی آنچه در نفس من است و نمیدانم آنچه در نفس توست، هر آینه تو داننده امور پنهانی.

به همین ترتیب غضب و رضا (خشم و خوشنودی) دو صفت از صفات بلاکیف الهی است که کیفیت آنها تنها برای الله تعالی معلوم است، ما آنها را تأویل نمی کنیم و نمی گوئیم که مراد از رضا اراده انعام و مراد از غضب اراده انتقام می باشد؛ بلکه این هر دو صفات را به الله تعالی ثابت میسازیم و کیفیت آنها را بیان نمی کنیم.^(۱)

ارزیابی



۱_ منظور از قول امام که می گوید: الله تعالی حد، ضد و مثل ندارد چیست؟ واضح سازید.

۲_ آیا می توان ید را به قدرت تأویل کرد؟ چرا؟

۳_ آیا رضا و غضب از جمله صفات الله تعالی می باشد؟

کارخانه گی



در مورد ید، وجه و نفس که از جمله صفات الله تعالی می باشد، یک مقاله پنج سطری بنویسید.

۱. شرح العقيدة الطحاوية تأليف ابن أبي العز الحنفی و شرح الفقه الأكبر ملا علی قاری.

قضاء و قدر حق است

خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ.
وَكَانَ اللَّهُ تَعَالَى عَالِمًا فِي الْأَزَلِ بِالْأَشْيَاءِ قَبْلَ كَوْنِهَا، وَهُوَ الَّذِي قَدَّرَ الْأَشْيَاءَ وَقَضَاهَا
وَلَا يَكُونُ فِي الدُّنْيَا، وَلَا فِي الْآخِرَةِ شَيْءٌ إِلَّا بِمَشِيئَتِهِ، وَعِلْمُهُ، وَقَضَائِهِ، وَقَدَرُهُ، وَكُتِبَ
فِي اللُّوحِ الْمَحْفُوظِ، وَلَكِنْ كُتِبَ بِالْوَصْفِ لَا بِالْحُكْمِ.
وَالْقَضَاءُ، وَالْقَدَرُ، وَالْمَشِيئَةُ صِفَاتُهُ فِي الْأَزَلِ بَلَا كَيْفٍ.
يَعْلَمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْمَعْدُومِ فِي حَالِ عَدَمِهِ مَعْدُومًا، وَيَعْلَمُ أَنَّهُ كَيْفَ يَكُونُ إِذَا أَوْجَدَهُ،
وَيَعْلَمُ اللَّهُ الْمَوْجُودَ فِي حَالِ جُودِهِ، وَيَعْلَمُ أَنَّهُ كَيْفَ فَنَاءُهُ.
وَيَعْلَمُ اللَّهُ الْقَائِمَ فِي حَالِ قِيَامِهِ قَائِمًا، وَإِذَا قَعَدَ فَقَدْ عَلِمَهُ قَاعِدًا فِي حَالِ قُعُودِهِ مِنْ غَيْرِ
أَنْ يَتَغَيَّرَ عِلْمُهُ، أَوْ يَحْدُثَ لَهُ عِلْمٌ، وَلَكِنَّ التَّغْيِيرَ، وَالْإِخْتِلَافَ يَحْدُثُ عِنْدَ الْمَخْلُوقِينَ

ترجمه: الله تعالى همه چیزها را (از عدم) آفرید، اما نه از چیز دیگر.

و او تعالى بر همه چیزها در ازل و قبل از آفرینش آنها عالم بود. ذاتی است که تقدیر و اندازه همه چیزها و زمان وقوع آنها را معین نموده است و هیچ چیز در دنیا و آخرت بدون اراده، علم و قضای او و بدون نوشته شدن در لوح محفوظ واقع نمی شود؛ اما این نوشته او به وصف است نه به حکم.

قضاء، قدر و مشیت، صفات ازلی بلاکیف او است. الله تعالى بر معدوم در حال عدمش علم دارد و نیز میداند که این چیز بعد از خلقش چگونه خواهد بود؛ همچنان الله تعالى بر موجود در حال وجودش علم دارد و نیز می داند که چگونه از بین میرود.

و به همین منوال خداوند بر شخص ایستاده در حالت ایستادنش و هر گاه که بنشیند در حالت نشستن بر او علم دارد، بدون اینکه در علم او تعالى تغییری بیاید و یا علم نو برایش پیدا شود،

بلکه تغییر و اختلاف برای مخلوق رُخ میدهد.

شرح

معنای قضاء و قدر: فیصله خداوند مبنی بر ایجاد اشیاء و آفرینش مخلوقات قضااست و اما ایجاد و آفرینش آنها در زمان معین و اندازه معین و کیفیت معین قدر است، چنانچه درین باره الله می فرماید:

﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ (سوره فرقان: ۲)

ترجمه: و همه چیز را آفریده و آنرا یک نوع اندازه کرده است.

معنای مشیت: مشیت به معنای اراده است. اراده در قرآن کریم به دو معنا آمده است:
۱- اراده کونی. ۲- اراده شرعی.

اراده شرعی متضمن محبت و رضای الهی می باشد، اما اراده کونی که از آن گاهی به مشیت تعبیر می شود، عام بوده شامل تمام مخلوقات می گردد و متضمن محبت و رضا نمی باشد.
ایمان به قضاء و قدر: ایمان به قضاء و قدر از اصول شش گانه ایمان محسوب می شود چنانچه رسول الله ﷺ در حدیثی، ارکان ایمان را بیان نموده از جمله فرموده است:
«وَأَنْ تُوْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرُهُ وَشَرُّهُ»^(۱)

ترجمه: و اینکه تو ایمان داشته باشی که اندازه خیر و شر هردو از جانب الله تعالی است. و منظور از ایمان به قضاء و قدر این است که آدم باید یقین محکم داشته باشد بر اینکه خیر و شر، نفع و ضرر بدون قضاء و تقدیر الهی رخ نمی دهد.
چنانچه الله میفرماید:

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲) لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (سوره حدید ۲۲-۲۳)

ترجمه: هیچ مصیبتی در زمین و در جانهای شما نمی رسد مگر اینکه ثبت است در کتاب پیش از آنکه بیافرینیم آنها، هر آینه این کار بر الله آسان است (این مطلب را خبر داده ایم)

۱- صحیح مسلم ۱-۲۸

تا اندوه نخورید بر آنچه از دست شما رفت و شادمان نشوید به آنچه عطا کرد شما را، و الله تعالی دوست نمیدارد هر تکبر کننده خود ستاینده را.

برای فهم درست قضاء و قدر و ایمان به آن باید به نکات ذیل که امام اعظم رحمه الله علیه به آن اشاره کرده است توجه نمود:

۱- الله تعالی برای اولین بار که مخلوقات را خلق نمود آنرا از چیز دیگر به وجود نیاورد یعنی قبل از آنها ماده یی نبوده که خداوند از آن ماده آنها را پیدا کرده باشد؛ بلکه نخستین بار آنها را از عدم به وجود آورده است چنانچه الله تعالی درین مورد می‌فرماید:

﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (سورة بقره: ۱۱۷)

ترجمه: خداوند آفریننده آسمانها و زمین است بطور یی سابقه و چون اراده آفرینش چیزی کند، به محض اینکه گوید موجود باش علی الفور موجود می‌شود.

۲- الله تعالی در ازل بر همه اشیاء عالم بوده، چنانچه الله می‌فرماید:

﴿وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (سورة احزاب - ۴۰)

ترجمه: و هست الله تعالی به هر چیز دانا.

۳- الله تعالی همه اشیا را طبق اراده و حکمت خویش خلق کرده و به کنه و حقیقت آن داناست حکم کرده است. چنانچه الله می‌فرماید:

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (سورة ملک - ۱۴)

ترجمه: آیا نمی‌داند کسی که آفرید و اوست باریک بین خبردار.

۴- در دنیا و آخرت هیچ چیز بدون اراده، علم، قضاء و قدر الله تعالی به وجود آمده نمیتواند؛ چنانچه الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (سورة دهر: ۳۰)

ترجمه: و نمی‌خواهید مگر وقتیکه الله تعالی بخواهد. به درستی که الله تعالی دانا و با حکمت است.

۵- آنچه که به سرنوشت بندگان ارتباط دارد، الله تعالی همه چیز آن را در لوح محفوظ قبلا نوشته

است؛ اما به صفت وصف نه به صفت حکم. یعنی نوشته که مثلاً فلانی باید چنین و چنان کند؛ بلکه نوشته که فلانی چنین و چنان خواهد کرد. الله درین مورد می فرماید:

﴿وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ﴾ (سوره قمر: ۵۳)

ترجمه: و هر خرد و بزرگ نوشته شده است.

۶- هر کدام از قضاء و قدر و مشیت، صفات بلاکیف الله تعالی می باشد که در قرآن کریم و سنت و اجماع امت ثابت شده است؛ اما کیفیت و چگونگی آن را جز خود خدا کس دیگری نمی داند.

۷- الله تعالی بر معدوم در حال عدمش هم علم دارد. علم الله تعالی کامل، ثابت و تغییر ناپذیر است؛ زیرا صفات الله تعالی مانند صفات مخلوق نیست، علم الله تعالی صفت ازلی وی است، پس به هر چیز به علم ازلی خویش آگاه است و زمانی که معلومات تغییر پیدا می کند، علم الله تعالی تغییر نمی یابد.

ارزیابی



- ۱- معنای قضاء و قدر را بنویسید.
- ۲- امام اعظم در مسئله قضاء و قدر به چند نکته مهم اشاره کرده است، یکی از آنها را بیان کنید.
- ۳- دلیل اثبات قضاء و قدر را ذکر نمایید.

کارخانه گی



در مورد قضاء و قدر یک مقاله کوتاه بنویسید.

فطری بودن ایمان و خدا شناسی

خلق الله تعالى الخلق سليماً من الكفر والإيمان.
ثم خاطبهم، وأمرهم، ونهاهم، فَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ بِفِعْلِهِ، وَإِنْكَارِهِ، وَجُحُودِهِ الْحَقَّ بِخُذْلَانِ
الله تعالى إِيَّاهُ.

وَأَمَّنَ مَنْ آمَنَ بِفِعْلِهِ، وَإِقْرَارِهِ، وَتَصْدِيقِهِ بِتَوْفِيقِ اللهِ تعالى إِيَّاهُ، وَنَصْرَتِهِ لَهُ.
أَخْرَجَ ذُرِّيَّةَ آدَمَ مِنْ صُلْبِهِ فَجَعَلَهُمْ عَقْلَاءَ فَخَاطَبَهُمْ، وَأَمَرَهُمْ بِالْإِيمَانِ، وَنَهَاَهُمْ عَنِ
الْكُفْرِ، فَأَقْرَأُوا لَهُ بِالرَّبُّوبِيَّةِ، فَكَانَ ذَلِكَ مِنْهُمْ إِيْمَانًا، فَهُمْ يُؤَلِّدُونَ عَلَى تِلْكَ الْفِطْرَةِ، وَمَنْ
كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَدْ بَدَّلَ وَغَيَّرَ، وَمَنْ آمَنَ وَصَدَّقَ فَقَدْ ثَبَّتَ عَلَيْهِ وَدَاوَمَ.
وَلَمْ يُجِبْ أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ عَلَى الْكُفْرِ، وَلَا عَلَى الْإِيمَانِ، وَلَا خَلَقَهُ مُؤْمِنًا وَلَا كَافِرًا، وَلَكِنْ
خَلَقَهُمْ أَشْخَاصًا.

وَالْإِيمَانُ، وَالْكُفْرُ فِعْلُ الْعِبَادِ، وَيَعْلَمُ اللهُ تعالى مَنْ يَكْفُرُ فِي حَالِ كُفْرِهِ كَافِرًا، فَإِذَا آمَنَ
بَعْدَ ذَلِكَ عَلِمَهُ مُؤْمِنًا فِي حَالِ إِيْمَانِهِ، وَأَحَبَّهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَغَيَّرَ عِلْمُهُ، وَصِفَتُهُ.

ترجمه: الله تعالى مخلوقات را سالم از کفر و ایمان خلق نموده.

و پس از آن ایشان را مخاطب قرار داده به ایمان امر و از کفر منع نموده است. پس کسی که
کفر می‌ورزد او به فعل خویش و به خاطر انکار از حق و خذلان پروردگار کافر می‌شود.
کسی که ایمان می‌گزیند او هم به فعل خویش و اقرار و تصدیق خویش، به توفیق و نصرت
پروردگار ایمان می‌آورد.

فرزندان آدم را از پشت وی بیرون آورده پس از تجهیز ایشان به عقل، آنها را مخاطب قرار
داده به ایمان امر و از کفر منع شان نمود، آنها هم به ربوبیت وی اقرار و اعتراف کردند و با
این کار در حقیقت آنها به طور فطری (به خدا) ایمان آوردند؛ از این جهت آنها با همان
ایمان فطری متولد می‌گردند و لذا هر کی بعد از آن کفر ورزد در حقیقت همان فطرت اصلی
خود را تغییر داده است و هر کی ایمان آورد و تصدیق کند، در واقع او بر همان فطرت اصلی

خویش ثابت قدم و وفادار مانده است.

خداوند هیچ کس از بندگان را نه به کفر مجبور کرده و نه به ایمان و نه مؤمن خلقشان نموده و نه کافر؛ بلکه ایشانرا اشخاص مستقل آفریده است.

ایمان و کفر افعال بندگان است. الله تعالی به کافر در حال کفرش اطلاع دارد و هرگاه که ایمان بیاورد بازهم به ایمان او در حالت ایمانش آگاه است و او را دوست می‌دارد، بدون اینکه در علم و صفت الله جل جلاله تغییری بیاید.

شرح

خداوند بندگان را خالی از اسلام و کفر پیدا نمود و به آنها صلاحیت و اختیار داد که ایمان را بپذیرند و یا کفر را و برای ایشان توانمندی انجام نیکی و گناه را بخشید و به کفر یا ایمان مجبورشان نساخت، پس اکنون کسی که کافر میشود به اختیار و فعل خود کفر میورزد و انکار و عناد و تکبر میکند، چنانچه الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾. (سوره نمل: ۱۴)
ترجمه: و حق را از روی ستمکاری و تکبر انکار کردند در حالی که دلهای ایشان به آن یقین و باور داشتند پس بنگر چگونه بود نتیجه کار مفسدان.

البته باید بیاد داشت که خداوند بر مبنای عدالت خویش با کافر همکاری ننموده توفیق خود را از وی دریغ داشته است.

همچنان مؤمن به اختیار خویش ایمان می‌آورد و این فعل و انقیاد خودش است؛ اما خداوند بر اساس رحمت و لطف خویش با وی همکاری نموده وی را به آن توفیق عطا فرموده است. چنانچه الله می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (سوره بقره: ۱۴۳)
ترجمه: و الله تعالی ایمان شما را هرگز ضایع نمی‌سازد، هر آینه خداوند به مردمان رحیم و مهربان است.

مِثَاقُ الْأَسْتِ

آنچه امام اعظم در مورد پیمان یا مِثَاقِ رُوزِ الْأَسْتِ در متن فقه اکبر به آن اشاره نموده، دلیل آن در قرآن کریم در آیه ۱۷۲ سوره اعراف ذکر شده که به نام آیه مِثَاقِ شَهْرَتِ دارد. آن پیمان در زبانهای فارسی و پشتو بنام پیمان اَلَسْت و یا پیمان رُوزِ اَلَسْت مشهور گردیده که از جمله «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» مذکور در همان آیت اقتباس شده است. آن آیت این است:

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا﴾ (سوره اعراف: ۱۷۲)

ترجمه: و یاد کن وقتی را که گرفت پروردگارت از بنی آدم از پشتهای شان اولادهایشان را و گواه گردانید ایشان را بر نفسهایشان و گفت آیا نیستم پروردگار شما؟ گفتند آری هستی، گواهی می دهیم.

همچنان امام اعظم از این پیمان فطری بودن ایمان را استنباط کرده است که آیه ۳۰ سوره روم مؤید آن می باشد. آنجا که الله تعالی می فرماید:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سوره روم ۳۰)

ترجمه: پس راست کن روی خود را برای دین در حالی که حق گرا هستی (این گرایش به حق چیزی است که خداوند مردم را به آن سرشته است) پس از این سرشت و فطرت خدایی که مردم را به آن سرشته است، پیروی کن. در آفرینش خداوند تبدیلی نیست. این است دین راست و مستقیم و لیکن اکثر مردم نمیدانند.

نبی کریم ﷺ نیز درین مورد می فرماید:

﴿كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ أَوْ يَنْصَرَانِهِ أَوْ يُمَجَّسَانِهِ﴾.

ترجمه: هر نوزادی به فطرت توحید و خداشناسی تولد می گردد اما بعد از آن والدینش او را یا یهودی می گردانند و یا نصرانی و یا هم مجوسی.

ارزیابی



- ۱- فطرت چه معنی دارد؟
- ۲- معنی خلق الله الخلق سلیمان من الکفر و الایمان چیست؟
- ۳- مخلوقات چه وقت به ربوبیت الله اقرار نمودند؟

کارخانه گوی



خلاصه درس را به الفاظ خویش در کتابچه های تان بنویسید.

افعال بندگان

وَجَمِيعُ أَعْمَالِ الْعِبَادِ مِنَ الْحَرَكَةِ، وَالسَّكُونِ كَسْبُهُمْ عَلَى الْحَقِيقَةِ، وَاللَّهُ تَعَالَى خَالِقُهَا، وَهِيَ كُلُّهَا بِمَشِيئَتِهِ، وَعِلْمِهِ، وَقَضَائِهِ، وَقَدَرِهِ.
وَالطَّاعَاتُ كُلُّهَا كَانَتْ وَاجِبَةً بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى، وَبِمَحَبَّتِهِ، وَبِرِضَائِهِ، وَعِلْمِهِ، وَمَشِيئَتِهِ، وَ قَضَائِهِ، وَتَقْدِيرِهِ.
وَالْمَعَاصِي كُلُّهَا بِعِلْمِهِ، وَقَضَائِهِ، وَتَقْدِيرِهِ، وَمَشِيئَتِهِ لَا بِمَحَبَّتِهِ، وَلَا بِرِضَائِهِ، وَلَا بِأَمْرِهِ.

ترجمه: همه افعال و کارهای بندگان از حرکت و سکون، در حقیقت کسب ایشان و مخلوق خداوند متعال است، این همه به اراده، علم، قضاء و قدر الله تعالی صورت می گیرد.
همه طاعات به امر الله تعالی واجب گردیده و مورد محبت، رضا، علم، اراده، قضاء و تقدیر او می باشد.

و همه گناهان به علم، قضاء، تقدیر و اراده الله تعالی به وجود می آید؛ اما مورد محبت و رضای او تعالی نیست.

شرح

همه افعال بندگان را الله تعالی آفریده است: همه کارهای بندگان، مانند: ایمان، کفر، طاعت، گناه و غیره در حقیقت کسب بندگان است و در آن هیچ نوع زور و جبر بر بنده نیست؛ بلکه همه طبق اختیار، خواسته ها و میل های نفسی خود شان صورت می پذیرد، پاداش و ثواب نتیجه همان اعمالی است که ایشان انجام می دهند. عقاب و جزا نتیجه همان گناهی است که ایشان مرتکب آن شده اند؛ اما در حقیقت خالق همه اینها تنها و تنها خداوند واحد است. الله تعالی درین مورد می فرماید:

«وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (سوره الصافات: ۹۶)

ترجمه: الله تعالى شما را و اعمال تانرا خلق نموده است.

کارهای نیک و اعمال صالح بندگان به علم، امر، اراده، قضاء و تقدیر خداوند صورت می گیرد و مورد محبت او نیز می باشد. به همین ترتیب گناهان بندگان به علم، اراده، قضاء و تقدیر او تعالى واقع می شود؛ اما نه خداوند به آن امر فرموده و نه مورد محبت اوست. چنانچه الله می فرماید:

﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾

(سوره زمر: ۱۷)

ترجمه: اگر ناسپاسی کنید و کافر شوید پس هر آینه خدا بی نیاز است از شما و نمی پسندد در حق بندگان خود ناسپاسی و کفر را و اگر سپاسگزاری کنید، پسند کند آن را برای شما.

فرق بین خلق و کسب

- ۱- کسب به کاری گفته میشود که کسب کننده در آن مستقل نباشد؛ بلکه در انجام دادن آن با او کس دیگری همکاری نماید. خلق کاری است که تنها خالق آنرا انجام می دهد.
- ۲- کسب کاری است که توسط وسایل و ابزار انجام می پذیرد و خلق کاری است که بدون وسایل و ابزار انجام می پذیرد.

افعال بندگان دوتنوع است

- ۱- افعال اختیاری: همان کارهایی است که انسان در انجام دادن آن اختیار و قدرت دارد؛ مانند: رفتن، آمدن، سخن گفتن و غیره.
- ۲- افعال اضطراری: همان کارهایی است که نه در آن انسان قدرت دارد و نه اختیار؛ مانند: حرکت دست لرزه کننده یا حرکت سیستم عصبی و هضمی.

مذاهب کلامی در باره افعال بندگان

- ۱- جبریه: جبریه می گویند انسان در هیچ کار اختیار ندارد و در هر چه انجام می دهد چه کار خوب باشد و چه بد، مجبور است؛ زیرا الله تعالى می فرماید:

﴿قُلْ لَّنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (سوره توبه: ۵۱)

ترجمه: بگو، هرگز نرسد به ما مگر آنچه نوشته است الله برای ما. اوست کارساز ما و مؤمنان

باید بر خدا توکل کنند.

۲- **معتزله:** معتزلیها میگویند بندگان آفریننده همه افعال اختیاری خویش اند و الله تعالی در آن هیچ نوع دخالتی ندارد؛ اما الله بر همه این افعال آگاه می باشد.

۳- **اهل سنت و جماعت:** اهل سنت و جماعت راه وسط را انتخاب نموده میگویند همه کارهای اختیاری انسان کسب او و مخلوق خداوند است و بنده در خلق آن هیچ نوع تأثیر ندارد؛ بلکه تنها آنرا کسب میکند؛ زیرا قدرت انجام دادن آن کار را خدا برایش میدهد. اما بنده چون به انجام آن کار اراده می کند و به اختیار خویش به آن اقدام می نماید، کسب او تلقی می شود و بر اساس آن مستحق ثواب و یا عقاب می گردد. چنانچه الله تعالی درین مورد می فرماید:

﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ (سوره فرقان: ۲)

ترجمه: خداوند همه چیز را آفریده و یک نوع اندازه کرده است. اگر انسان آفریننده کارهای خود می بود؛ پس باید بر تفصیل آن همه کارها که در اختیار او قرار دارد نیز عالم می بود و این غیر ممکن است.

اهل سنت استدلال گروه جبریه به آیت «قل لن یصینا..» را رد نموده می گویند: آن آیت در مورد افعال اضطراری انسان و مصیبت ها و بلاهاست که از قدرت انسانها خارج بوده در حیطه قدرت پروردگار می باشد نه در باره افعال اختیاری وی.

همچنان اهل سنت می گویند: اگر ما بندگان را در افعالشان مجبور بدانیم، معنایش این می شود که خداوند انسان را به ارتکاب گناه مجبور می کند و پس از آن وی را مورد عذاب قرار می دهد و این ظلم بوده مخالف عدالت مطلقه پروردگار می باشد و هیچ مسلمانی نمی تواند این نتیجه را بپذیرد.

اهل سنت در رد قول معتزله می گویند: اگر ما بندگان را خالق افعالشان بدانیم نتیجه آن محدود کردن قدرت، اراده و خالقیت پروردگار می شود که قطعاً با مسلمات دین و نصوص قرآن و حدیث در تعارض آشکار قرار دارد.

از همین جاست که حقانیت و اعتدال مذهب اهل سنت برملا می گردد.

ارزیابی

- ۱- آیا انسان خالق کارهای خویش شده میتواند؟
- ۲- فرق بین خلق و کسب چیست؟
- ۳- افعال انسان بر چند نوع است؟
- ۴- اگر ما انسان را در انجام عمل مجبور بدانیم نتیجه آن چی می شود؟
- ۵- اگر ما خالق افعال انسان خود او را بدانیم نتیجه آن چه می شود؟

کارخانه گی:

خلاصه رأی اهل سنت را در مورد افعال انسان در کتابچه های خویش بنویسید.

عصمت پیغمبران

وَالْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ كُلُّهُمْ مُنْزَهُونَ عَنِ الصَّغَائِرِ، وَالْكِبَائِرِ، وَالْكَفْرِ، وَالْقَبَائِحِ، وَقَدْ كَانَتْ مِنْهُمْ زَلَّاتٌ، وَخَطَايَا.

ترجمه: پیغمبران علیهم السلام از همه گناهان خرد و بزرگ، کفر و امور زشت پاک و مبرا هستند؛ اما گاه گاه از ایشان زلات (اشتباهات غیر عمدی) و لغزش‌ها صادر شده است.

شرح

از حضرت آدم عليه السلام تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله همه پیغمبران، قبل از نبوت و بعد از نبوت از همه گناهان خرد و بزرگ پاک هستند؛ اما آنچه در آیت‌های قرآنی راجع به انبیاء عليهم السلام آمده است، منظور از آن زلات (اشتباهات و لغزشهای غیر عمدی) بوده گناه به حساب نمی‌رود.

۱- تعریف نبی و رسول

نبی: از نبأ گرفته شده که به معنای، خبر است، پس نبی کسی است، که برای مردم خبر و پیام الهی را آورده است.

رسول: از ارسال گرفته شده است، که معنای آن فرستادن کسی به خاطر یک هدف مشخص می‌باشد. پس بنابر آن، رسول کسی است که از جانب الله تعالی به خاطر هدف مشخص که همانا هدایت مردم است، فرستاده شده باشد.

فرق میان نبی و رسول

در مورد فرق بین رسول و نبی علما اختلاف دارند. برخی علماء میگویند که بین رسول و نبی فرقی وجود ندارد، پس هر نبی رسول است و هر رسول نبی؛ اما برخی علمای دیگر میگویند که بین شان فرق وجود دارد و این قول راجح است؛ اما ایشان در باره اینکه در میان ایشان چه فرقی وجود دارد، دچار اختلاف شده اند که ذیلاً بیان می‌گردد:

۱- نبی به کسی گفته میشود که برای جامعه مؤمن فرستاده شده باشد؛ مانند: آدم علیه السلام و انبیای بنی اسرائیل علیهم السلام که بعد از موسی علیه السلام و قبل از عیسی علیه السلام بودند.

و رسول به کسی گفته میشود که برای جامعه کفار فرستاده شده باشد و شریعت جدید برایش داده شده باشد؛ مانند: حضرات نوح علیه السلام، موسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و غیره.

۲- نبی کسی است که دعوت پیغمبر قبلی خویش را تبلیغ مینماید و رسول کسی است که با رسالت مستقل فرستاده شده و شریعت جدید آورده باشد، پس هر رسول نبی است؛ اما هر نبی رسول نیست.

عقیده اهل سنت در باره عصمت انبیاء

به عقیده اهل سنت و الجماعت همه انبیاء قبل از نبوت و بعد از نبوت از دروغ گفتن خصوصاً در کارهایی که به تبلیغ احکام و اوامر شرعی و رهبری امت ارتباط دارد معصوم و پاک اند. هکذا به عقیده اهل سنت و الجماعت همه انبیاء علیهم السلام قبل و بعد از نبوت از کفر و گناهان بزرگ پاک و معصوم هستند؛ اما در صدور گناهان کوچک از انبیاء، علماء اختلاف نظر دارند: جمهور اهل سنت و الجماعت میگویند که ممکن است از انبیاء گناهان کوچک صادر شود؛ اما نه بر آنها ثابت میمانند و نه آنها را تکرار می کنند.

علمای احناف میگویند که انبیاء علیهم السلام قبل و بعد از نبوت از همه گناهان بزرگ و کوچک پاک اند؛ اما گاه گاه زلات و لغزش های غیر عمدی از ایشان صادر میشود که برای آن گناه نه؛ بلکه ترک اولی گفته میشود.

ارزیابی

- ۱- هر کدام از نبی و رسول را تعریف نمایید.
- ۲- فرق بین رسول و نبی چیست؟
- ۳- انبیاء علیهم السلام از همه گناهان پاک اند. این موضوع را روشن سازید.

کارخانه گی

در مورد عصمت پیامبران یک مقاله کوتاه که از ده سطر کم نباشد بنویسید.

تعداد پیغمبران، وظایف و صفات ایشان

اسمای همه پیامبران علیهم السلام و تعداد ایشان در قرآن کریم ذکر نشده و هیچ دلیل قاطعی هم در این مورد وجود ندارد؛ لهذا قول راجح در نزد علما این است که تعداد دقیق آنها معلوم نیست. در قرآن کریم تنها نامهای بیست و پنج پیامبر ذکر شده است که از جمله آنها پنج پیامبر از پیامبران اولوالعزم اند؛ مانند: نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد ﷺ.

الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ﴾ (سوره نساء: ۱۶۴).

ترجمه: و فرستادیم پیامبرانی را که قصه ایشان گفته ایم به تو پیش ازین و پیامبرانی را که قصه ایشان نه گفته ایم به تو.

فعالیت

شاگردان اسمای پیامبرانی را که در قرآن کریم ذکر شده در میان خود به یکدیگر بیان دارند، آنها عبارتند از: آدم علیه السلام، نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، اسحاق علیه السلام، یعقوب علیه السلام، داود علیه السلام، سلیمان علیه السلام، ایوب علیه السلام، یونس علیه السلام، موسی علیه السلام، هارون علیه السلام، زکریا علیه السلام، یحی علیه السلام، عیسی علیه السلام، الیاس علیه السلام، اسماعیل علیه السلام، لوط علیه السلام، هود علیه السلام، صالح علیه السلام، ادريس علیه السلام، یسع علیه السلام، ذوالکفل علیه السلام و محمد علیه الصلاة والسلام.

وظیفه پیامبران علیهم السلام

۱_ دعوت مردم به عبادت خداوند یگانه طوریکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (سوره نحل: ۳۶).

ترجمه: و هر آئینه فرستادیم در هر امتی پیامبری را که عبادت کنید خدا را و احتراز کنید از بتان.

۲- تبلیغ و بیان احکام خداوندی به مردم؛ چنانچه خداوند چنین فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ (سوره مائده: ۶۷).

ترجمه: ای رسول برسان آنچه را که بر تو از جانب پروردگارت نازل شده است و اگر چنین نکردی؛ پس تو نرسانیده یی هیچ پیغام او را و خدا نگاه میکند تو را از مردم.

۳- مژده دادن مردم، در صورت پیروی از قوانین خداوندی به پیروزی و کامیابی دنیوی و اخروی و ترساندن مردم در صورت نافرمانی از رسوایی دنیوی و عذاب اخروی. الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ﴾ (سوره کهف: ۵۶).

ترجمه: و ما نمی فرستیم پیامبران را مگر بشارت دهنده گان و بیم دهنده گان.

۴- تربیت مردم به آداب فاضله و اخلاق کریمه؛ چنانچه پیامبر اکرم علیه السلام در این مورد چنین می فرماید:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»^(۱). ترجمه: یقیناً من از جانب خداوند متعال فرستاده شده ام تا اخلاق نیکو را تکمیل نمایم.

اوصاف پیامبران علیهم السلام

همه انبیا و رسل علیهم السلام بندگان خداوند متعال و از جمله بشر اند و دارای صفات و عادات بشری اند، مانند سایر مردم می خورند، می نوشند، ازدواج می کنند، بیمار می شوند، خوشحال و غمگین می شوند و بالاخره می میرند.

پیامبران نمی توانند که در نظام دنیا تصرف نمایند، آنها اختیار رسانیدن خیر و شر را به هیچکس ندارند و عالم الغیب نیستند مگر به اندازه که خداوند متعال به آنها در آن مورد وحی نماید، آنها از همه گناهان معصوم اند. پیامبران دارای اخلاق نیکو، عقل کامل، صداقت، امانت و همه اوصاف حمیده بودند و از همه اوصاف و عادات بد و زشت مبرا و پاک بودند.

ارزیابی

۱. تعداد پیامبران علیهم السلام چند است؟
۲. وظایف مهم پیامبران علیهم السلام را بنویسید.
۳. اوصاف مهم پیامبران علیهم السلام را بیان دارید.

کارخانه گي

در مورد صفات پیامبران علیهم السلام يك مقاله کوتاه بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.

برخی از اوصاف حضرت محمد ﷺ

وَمُحَمَّدٌ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ حَبِيبُهُ، وَعَبْدُهُ، وَرَسُولُهُ، وَنَبِيُّهُ، وَصَفِيُّهُ، وَنَقِيُّهُ، وَلَمْ يَعْبُدِ الصَّنَمَ، وَلَمْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ تَعَالَى طُرْفَةَ عَيْنٍ قَطُّ، وَلَمْ يَرْتَكِبْ صَغِيرَةً، وَلَا كَبِيرَةً قَطُّ

ترجمه: محمد ﷺ حبیب، بنده، رسول، نبی و بنده برگزیده و پاکیزه خداوند متعال است. هیچگاه بت را پرستش نکرده و به اندازه یک چشم زدن با خداوند متعال شریک قایل نشده و هرگز مرتکب گناه صغیره و کبیره نشده است.

شرح

صفات رسول اکرم ﷺ:

۱. پیامبر اکرم ﷺ دارای دو نام مشهور بودند که هر دو در قرآن کریم ذکر شده و در کتابهای قبل به بعثت آنحضرت به همین نامها مژده داده شده است؛ چنانچه الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ﴾ (سوره آل عمران: ۱۴۴) ترجمه: و نیست محمد مگر پیامبر یقیناً گذشته پیش از وی پیامبران^(۱). و نیز خداوند متعال از زبان حضرت عیسی می فرماید: ﴿وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾ (سوره صف: ۶) ترجمه: و مژده دهنده ام به پیامبری که می آید بعد از من، نام او احمد است.

۲. پیامبر ﷺ قبل از بعثت در میان مردم به لقب امین مشهور بود.

۳. رسول اکرم ﷺ صاحب اخلاق نیکو و برتر بود، خداوند متعال در این مورد چنین می فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (سوره قلم: ۴)

ترجمه: و به تحقیق تو دارای اخلاق بزرگ هستی.

۴. رسول اکرم ﷺ مژده دهنده و بیم دهنده و چراغ روشن هدایت است؛ چنانچه خداوند

۱- همچنان این مطلب در سوره احزاب آیه (۴۰) سوره الفتح آیه ۲۹ و آیه سوره محمد ذکر شده است.

می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ
وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾ (سوره احزاب: ۴۵)

ترجمه: ای پیامبر ما ترا گواهی دهنده، بشارت دهنده و ترساننده و دعوت کننده به سوی خدا
به اجازه او و چراغ روشن (هدایت) فرستاده ایم.^(۱)

۵. نبی کریم ﷺ صاحب شخصیت عالی و کردار نیکو بود که به صدق نبوت آنحضرت ﷺ
گواهی میداد، عبدالله بن سلام میگوید: زمانی که من روی مبارک آنحضرت ﷺ را دیدم،
برایم هویدا گردید که این روی شخص دروغگو نیست.^(۲)

برخی از معجزات پیامبر اکرم ﷺ: معجزه کار خارق العاده یا خلاف عادت را گویند که
خداوند متعال آنرا از پیامبرش بخاطر تصدیق پیامبری او صادر می‌نماید، برخی از معجزات
پیامبر ﷺ بگونه ذیل می‌باشد:

- شق القمر (پاره شدن مهتاب).
- بیرون آمدن آب از لای انگشتان حضرت.
- تسبیح گفتن سنگها همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم.
- زیاد شدن آب و غذای اندک به برکت ایشان.
- اسراء و معراج.

قرآن کریم بزرگ ترین و پایدارترین معجزه رسول اکرم ﷺ است. قرآن کریم، کتاب بیداری
و روشنگری بوده و از هر گونه اختلاف و تناقض مبرا می‌باشد، خداوند متعال در این مورد
چنین می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا
كَثِيرًا﴾. (سوره نساء: ۸۲).

ترجمه: آیا در قرآن تدبر و دقت نمی‌کنند؟ و اگر از جانب غیر خدا می‌بود، البته می‌یافتند در
آن تفاوتی بسیار.

۱- این دو صفت در سوره الاحزاب آیه ۲۹ و سوره طلاق و سوره تحریم و سوره مائده نیز تذکر یافته
است.

۲- نگاه کنید: سیرت النبی تألیف عبدالوهاب النجار صفحه ۲۱۷.

همچنان در آیه دیگر میفرماید: ﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ (سوره اسراء: ۸۸) بگو اگر جمع شوند آدمیان و جنیان بر اینکه بیارند مانند این قرآن، هر گز نیارند مانند آن، اگر چه باشند بعضی ایشان بعضی را مدد گار.

ارزیابی

۱. یک آیت در باره صفات رسول اکرم ﷺ ذکر کنید.
۲. یک آیت را در باره اخلاق بزرگ رسول اکرم ﷺ بنویسید.
۳. برخی از معجزات بزرگ پیامبر ﷺ را اجمالاً نام ببرید.

کارخانه گی

در مورد اثبات نبوت پیامبر ﷺ مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

برترین اشخاص بعد از پیامبران

وَأَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ أَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقُ، ثُمَّ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ الْفَارُوقُ، ثُمَّ عَثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ ذُو النُّورَيْنِ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الْمُتَرَضَّى رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.
عَابِدِينَ ثَابِتِينَ عَلَى الْحَقِّ، وَمَعَ الْحَقِّ نَتَوَلَّاهُمْ جَمِيعاً، وَلَا نَذْكُرُ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا بِخَيْرٍ.

ترجمه: برترین اشخاص بعد از انبیا علیهم السلام عبارتند از: ابوبکر صدیق، سپس عمر بن الخطاب، سپس عثمان بن عفان ذوالنورین و سپس علی بن ابی طالب خداوند از همه ایشان راضی باشد.

آنها همه بندگان عابد خداوند و بر حق و با حق ثابت و استوار بودند، ما همه آنها را دوست داریم و هیچ یک از صحابه پیامبر اکرم ﷺ را جز به خیر و نیکویی یاد نمی کنیم.

شرح

بهترین و برترین اشخاص بعد از پیامبران علیهم السلام خلفای راشدین اند که اولتر از همه ابوبکر صدیق رضی الله عنه، بعداً عمر بن الخطاب رضی الله عنه، بعداً عثمان بن عفان رضی الله عنه و بعد از آن حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه میباشد.

فضایل ابوبکر صدیق رضی الله عنه: نام ابوبکر صدیق رضی الله عنه قبل از مشرف شدن او به اسلام عبد رب الکعبه بود و بعد از مشرف شدنش به دین مقدس اسلام پیامبر ﷺ نامش را عبدالله نهاد، نام پدرش ابو قحافه عثمان بن عامر بن کعب و لقبش صدیق است. ابوبکر صدیق رضی الله عنه در هنگام هجرت به مدینه منوره، همسفر و یار پیامبر ﷺ در غار حرا بود و نیز در روزهای بیماری مرگ آنحضرت نایب ایشان در نماز بود، ابوبکر صدیق رضی الله عنه در همه غزوات و مشکلات شانه به

شانه با پیامبر ﷺ حاضر بود. رسول الله ﷺ او را به جنت مژده داده است. بعد از رحلت پیامبر ﷺ به اجماع صحابه کرام ابوبکر صدیق رضی الله عنه خلیفه و جانشین آنحضرت ﷺ تعیین گردید و مدت خلافت ایشان دو سال و چهار ماه بود.

فضایل حضرت عمر فاروق رضی الله عنه

حضرت عمر بن الخطاب ملقب به فاروق خلیفه دوم اسلام و یکی از بزرگان صحابه کرام به حساب می‌رود. برخی از آیات قرآن کریم موافق با نظر وی نازل شده است که این خود بر فضیلت و برتری او دلالت میکند؛ همچنان همه علمای امت به خلافت و فضیلت حضرت عمر رضی الله عنه اجماع نموده اند. حضرت عمر رضی الله عنه از جمله عَشْرَةُ مبشره میباشد. وی بعد از ده سال و شش ماه خلافت توسط ابو لؤلؤ مجوسی به شهادت رسید. حضرت عمر رضی الله عنه قبل از وفاتش برای تعیین خلیفه شورای شش نفری از صحابه کرام را تعیین نمود. شورا حضرت عثمان را به خلافت برگزید.

فضایل حضرت عثمان رضی الله عنه:

نام او عثمان بن عفان بن العاص بن امیه و لقبش ذوالنورین است. حضرت عثمان رضی الله عنه خلیفه سوم مسلمانان بود. وی با دو دختر پیامبر ﷺ (ام کلثوم و رقیه) یکی بعد از دیگری ازدواج نموده و بنا بر این به لقب ذوالنورین ملقب شد، هنگامی که دختر دوم پیامبر صلی الله علیه وسلم (رقیه) وفات نمود، آنحضرت ﷺ برایش فرمود: اگر دختر سومی میداشتم آنرا نیز برای نکاح می‌کردم که این به فضیلت و برتری حضرت عثمان رضی الله عنه دلالت میکند. رسول الله ﷺ حضرت عثمان رضی الله عنه را در هنگام عقد بیعة الرضوان به حیث نماینده خویش به مکه مکرمه فرستاد، وقتی که مسلمانان با رسول الله ﷺ بیعت مینمودند، دستهای خویش را در دست پیامبر ﷺ نهادند، رسول الله ﷺ یک دستش را در دست دیگرش نهاد و به عوض عثمان رضی الله عنه بیعت نمود و گفت: این از طرف عثمان. این هم دلالت بر فضیلت و برتری حضرت عثمان رضی الله عنه دارد. حضرت عثمان رضی الله عنه از جمله عَشْرَةُ مبشره است. وی هنگامیکه به تلاوت قرآن کریم مشغول بود از سوی شورشیان باغی به شهادت رسید.

فضایل حضرت علی کرم الله وجهه

نام او علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف است. حضرت علی علیه السلام خلیفه چهارم مسلمانان، داماد و پسر کاکای رسول الله صلی الله علیه و آله و یکی از قهرمانان اسلام و از جمله عشره مبشره است. حضرت علی - کرم الله وجهه - پدر نواسه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت حسن و حضرت حسین رضی الله عنهما می‌باشد، رسول الله صلی الله علیه و آله در غزوه خیبر بیرق جهاد را به دست علی علیه السلام داد. حضرت علی علیه السلام بعد از چهار سال و نه ماه خلافت بدست عبدالرحمن بن ملجم خارجی به شهادت رسید.

ارزیابی

۱. بعد از نبی کریم صلی الله علیه و آله بهترین اشخاص چه کسانی اند؟
۲. دوره خلافت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه را بنویسید.
۳. حضرت عمر رضی الله عنه قبل از وفاتش در مورد تعیین خلیفه چه اقدام نمود؟
۴. چرا به حضرت عثمان رضی الله عنه ذوالنورین میگویند؟
۵. مدت خلافت حضرت علی رضی الله عنه را بنویسید؟

کارخانه گی

در مورد خلافت و فضیلت خلفای راشدین یک مقاله مختصر بنویسید.

مسلمان با ارتکاب گناه کافر نمیشود

وَلَا تُكْفَرُ مُسْلِمًا بِذَنْبٍ مِنَ الذُّنُوبِ، وَإِنْ كَانَتْ كَبِيرَةً إِذَا لَمْ يَسْتَحِلِّهَا.
وَلَا نُزِيلُ عَنْهُ اسْمَ الْإِيمَانِ، وَنُسَمِّيهِ مُؤْمِنًا حَقِيقَةً، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ مُؤْمِنًا فَاسِقًا غَيْرَ كَافِرٍ.

ترجمه: ما مسلمان را بخاطر ارتکاب گناه هرچند کبیره هم باشد تا زمانی که آنرا حلال نداند، کافر نمی دانیم.

و از وی اسم ایمان را هم زائل نمی سازیم و به طور حقیقی او را مؤمن می نامیم؛ اما ممکن است یک مسلمان فاسق باشد نه کافر.

شرح

از نظر اهل سنت والجماعت هیچ مسلمانی بخاطر ارتکاب گناه، چه کوچک باشد و چه بزرگ تکفیر نمی گردد و کافر پنداشته نمی شود مگر اینکه آن گناه را حلال و جائز بداند.

انواع گناه

گناهان بر دو نوع است:

گناهان کبیره: همان گناهانی است که حرمت آن در قرآن و حدیث به نص قاطع ثابت شده باشد و در دنیا برای آن حد و یا در آخرت برای آن وعید عذاب آمده باشد.^(۱)

۱. گناهان صغیره: گناهانی است که نه در دنیا برای آن حدی تعیین شده باشد و نه در آخرت برای آن وعیدی مشخص شده باشد.

حکم مرتکب گناه کبیره

صحابه کرام، اهل سنت و الجماعت، تابعین و همه علمای معتبر امت بر این عقیده اند که به خاطر ارتکاب گناه کبیره، مسلمان از اسلام خارج نمی شود؛ اما فاسق پنداشته میشود. کسی که تا مرگ به گناه آلوده باشد و توبه نکند، سرنوشت وی به اراده پروردگار ارتباط دارد؛ اگر او تعالی بخواهد برایش مغفرت مینماید ورنه او را به دوزخ میبرد؛ اما بالاخره به خاطر داشتن ایمان از دوزخ می برآید، زیرا مؤمن گنهگار برای همیشه در دوزخ نمی ماند. به دلیل

۱- الکبائر للذهبی ۷ - التعریفات للجرجانی ص ۳۵

اینکه خداوند در قرآن کریم مسلمانانی را که با هم می‌جنگند، مؤمن خوانده و صفت ایمان را از ایشان سلب نکرده در حالی که جنگیدن با مسلمان یک گناه بزرگ محسوب می‌شود. چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتًا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (سوره حجرات: ۹)

ترجمه: و اگر دو گروه از مسلمانان با یکدیگر جنگ کنند پس صلح کنید میان ایشان؛ پس اگر تجاوز کرد یکی ازین دو بر دیگری، پس جنگ کنید با آن گروه که تجاوز میکند تا آنکه برگردد به حکم خدا، و چون رجوع کرد پس صلح کنید میان ایشان با انصاف و داد کنید، هر آینه خدا دوست میدارد داد کنندگان را.

همچنان براساس احادیث روایت شده رسول اکرم ﷺ نیز مرتکب کبیره را از ملت اسلام اخراج ننموده و معذب شدن او را به ارادهٔ پروردگار موکول کرده است؛ چنانچه از عبادۀ بن صامت روایت است که نبی کریم ﷺ در حالی که گروهی از صحابه در پیرامونش نشسته بود، فرمودند: بیایید همراه من بر این سخن بیعت نمایید که به الله شریک نیاورید، دزدی و زنا نکنید و اولاد خود را نکشید، بر یکدیگر بهتان نبندید و در کارهای نیک نافرمانی مرا نکنید، کسی که بر این بیعت وفا نمود، خداوند اجر و ثوابش را خواهد داد و کسی که مرتکب گناهان مذکور شد، پس او در دنیا با مجازات (اقامۀ حد) روبرو میشود و این برای او کفاره است.

اما کسی را که خداوند ستر کرد، آینده اش به ارادهٔ الهی منوط می‌گردد اگر خدا بخواهد برای او مغفرت میکند ورنه عذاب میدهد. حضرت عبادۀ رضی الله عنه میگوید ما بر این سخنان با او رضی الله عنه بیعت نمودیم.

ارزیابی

۱. آیا به ارتکاب گناه کبیره مسلمان کافر می‌شود و یا خیر؟
۲. انواع گناه چند است؟

کارخانه‌گی

شاگردان در مورد گناهان کبیره در کتابچه‌های خویش یک مقاله بنویسند.

عقاید اهل سنت و الجماعت

والمسحُ على الخفين سنة، والتراويحُ في ليالي شهر رمضان سنة، والصلاة خلف كلِّ برٍّ وفاجر جائزة.

ولا نقولُ إن المؤمنَ لا تضره الذنوبُ، ولا نقولُ إنه لا يدخل النار، ولا نقولُ إنه يخلدُ فيها، وإن كان فاسقاً بعد أن يخرجَ من الدنيا مؤمناً.

ولا نقولُ، إن حسناتنا مقبولة، وسيئاتنا مغفورة، كقولِ المرجئة، ولكن نقولُ من عملِ حسنةٍ بجميع شرائطها خاليةً عن العيوبِ المفسدة، ولم يُبطلها بالكفر، والرِّدة والأخلاق السيئة، حتى خرجَ من الدنيا مؤمناً فإن الله تعالى لا يُضيّعها بل يقبلها منه، ويُثيبه عليها. وما كان من السيئاتِ دون الشرك، والكفر، ولم يتب عنها صاحبها، حتى مات مؤمناً فإنه مؤمنٌ في مشيئة الله تعالى إن شاء عذبه بالنار، وإن شاء عفا عنه، ولم يُعذب بالنار أصلاً.

والرياءُ إذا وَقَعَ في عملٍ من الأعمالِ فإنه يُبطل أجره، وكذلك العُجبُ.

ترجمه: مسح کردن بر موزه سنت است، تراویح در شبهای ماه رمضان سنت است، اقتدای نماز عقب هر امام صالح و بدکار جائز است.

ما نمیگوییم که گناه به مسلمان ضرر نمی‌رساند و نمیگوییم که مؤمن گنهکار به آتش نمیرود و نیز نمیگوییم که مسلمان گنهکار همیشه در آتش خواهد بود و لو فاسق هم باشد؛ اما به شرطی که با ایمان بمیرد.

همچنان ما مانند فرقهٔ مرجئه نمیگوییم که همه کارهای نیک ما مورد قبول و گناهان ما بخشیده شده است، بلکه ما میگوییم کسی که کارهای نیکو را با همهٔ شرایطش خالی از مفسدات و عیوب انجام داد و آنرا توسط کفر، ارتداد و اخلاق زشت باطل نساخت و در حالت ایمان از

دنیا رفت، الله تعالى عمل نیک او را ضایع نمیکند بلکه آنرا می پذیرد و بر آن ثواب می دهد. و اگر کسی مرتکب کارهای زشت و گناهانی کمتر از شرک و کفر شود و از آن توبه نکند، اما با ایمان بمیرد، آن شخص مؤمن خوانده می شود و عاقبتش بستگی به اراده پروردگار دارد اگر بخواهد در آتش تعذیبش می کند و اگر بخواهد مغفرتش می کند و یا اصلاً در آتش تعذیبش نمی نماید.

هرگاه در عمل نیک ریا رُخ دهد، ثواب آن را از بین می برد و هکذا اگر در آن کبر و عجب پیدا شود باز هم ثواب آن را زائل می سازد.

شرح

درین درس نه مسأله تذکر یافته که تفصیل آنها قرار می باشد:

۱. مسح بر موزه ها: مسح کردن بر موزه سنت و مشروعیت آن با احادیث متواتر ثابت شده است، البته برای مقیم یک روز و یک شب و برای مسافر سه روز و سه شب.

۲. تراویح: در ماه مبارک رمضان شبانه تراویح خواندن از نبی کریم ﷺ عملاً ثابت است. ایشان در شبهای ماه رمضان تراویح می خواندند اما از روی شفقت بر امت که فرض نگردد بر آن مداومت نکرده ادای آنرا با جماعت ترک کردند. حضرت عمر رضی الله عنه در زمان خلافتش این سنت را دوباره زنده ساخت و مسلسل آنرا به جماعت اداء نموده و گفت زنده کردن این سنت یک کار خوب است.

۳. امامت مرد نیکوکار و بدکار در نماز: برای امامت نماز تنها اسلام شرط است. پس عقب هر مسلمان خواه آدم نیک باشد و یا بد، نماز خواندن جائز است، اما اقتداء عقب بدکار مکروه می باشد.

۴. گناه برای مؤمن ضرر دارد: کسی که ایمان می آورد انسان مؤمن حقیقی پنداشته میشود. اگر با وجود مؤمن بودن مرتکب گناه می گردد، مؤمن فاسق خوانده می شود.

۵. مؤمن گنهگار در آتش برای ابد نمی ماند: اگر مؤمن به خاطر گناه داخل دوزخ شود پس از برکت ایمان بالاخره از دوزخ بیرون می شود.

۶. پذیرفتن اعمال و مغفرت گناهان در اختیار الله تعالى است: ما نمیدانیم که کارهای نیک

ما قبول و گناهان ما بخشیده شده است یا خیر؛ بلکه به ارادهٔ پروردگار تعلق دارد.

۷. الله تعالی پاداش اعمال نیک را از روی مهربانی خویش میدهد: کسی که با همهٔ شرایط و اخلاص در حالت ایمان به غیر ریا و کبر کار نیک انجام دهد، الله از روی مهربانی خویش او را پاداش میدهد و این کار را از روی لطف و کرم و مهربانی انجام می‌دهد، نه اینکه اعطای پاداش بر وی واجب و الزامی باشد.

۸. سرنوشت مؤمن گنهگار به ارادهٔ پروردگار متعلق است: کسی که به استثنای شرک و کفر مرتکب گناه گردد و در حالت ایمان قبل از اینکه توبه کند، بمیرد عاقبت وی به ارادهٔ پروردگار تعلق می‌گیرد اگر بخواهد او را می‌بخشد و اگر بخواهد عذاب میدهد، چنانچه الله عزوجل می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ (سورة نساء: ۱۱۶)

ترجمه: و هر آینه خدا نمی‌آمرزد اینکه شریک به او مقرر کرده شود و می‌آمرزد غیر شرک (هر گناه دیگر را) برای هر که بخواهد و هر که با خدا شریک مقرر کند در گمراهی دوری سقوط کرده است.

۹. ریا ثواب عمل را از بین میبرد: ریا (تظاهر و خود نمایی)، کبر و عجب آن خصلت‌های زشت و ناپسند است که ثواب همهٔ اعمال نیک را تباه می‌کند و از بین می‌برد.

ارزیابی



۱. انکار از مسح کردن بر موزه‌ها چه حکم دارد؟
۲. نماز تراویح در ماه رمضان نزد اهل سنت چه حکم دارد؟
۳. آیا برای امام نماز، معصومیت از گناه شرط است؟

کا خانه گی



خلاصهٔ این درس را در کتابچه‌های تان بنویسید.

معجزه و کرامت

وَالْآيَاتُ ثَابِتَةٌ لِلْأَنْبِيَاءِ، وَالْكَرَامَاتُ لِلْأَوْلِيَاءِ حَقٌّ.
 وَأَمَّا الَّتِي تَكُونُ لِأَعْدَائِهِ مِثْلَ إِبْلِيسَ، وَفِرْعَوْنَ، وَالدَّجَالِ فَيَمَّا رُويَ الْأَخْبَارُ أَنَّهُ كَانَ
 وَيَكُونُ لَهُمْ لَا نُسَمِّيَهَا آيَاتٍ، وَلَا كَرَامَاتٍ.
 وَلَكِنْ نُسَمِّيَهَا قَضَاءَ حَاجَاتِهِمْ، وَذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْضِي حَاجَاتِ أَعْدَائِهِ إِسْتِدْرَاجًا
 لَهُمْ، وَعِقَابَةً لَهُمْ فَيَغْتَرُونَ بِهِ، وَيَزْدَادُونَ طُغْيَانًا، وَكُفْرًا، وَكُلُّهُ جَائِزٌ مُمَكِّنٌ.

ترجمه: معجزات برای انبیا و کرامات برای اولیا حق و ثابت است.
 و آن کارهای خارق العاده‌ای است که از دشمنان خدا؛ مانند: شیطان، فرعون و دجال صادر
 شده و در روایات نقل گردیده است ما نه آن را معجزه می‌گوئیم و نه کرامت.
 بلکه آن را از باب قضای نیازمندیهایشان می‌دانیم که الله ﷻ برای استدراج و مجازاتشان
 برایشان مهیا می‌سازد و ایشان به آن فریفته شده، گناهان و سرکشی و کفرشان افزون می‌گردد
 و این همه شدنی و ممکن است.

شرح

کار خارق العاده که از نبی صادر شود معجزه و اگر از آدم صالح صادر شود کرامت و اگر
 از مسلمان فاسق و یا کافر صادر شود استدراج گفته می‌شود.

۱. معجزه: معجزه در لغت از عجز گرفته شده که معنای عاجز کننده را می‌رساند.^(۱) و در
 اصطلاح معجزه کار خارق العاده‌ای را گویند که بدست پیامبری مقرون با ادعای نبوت صادر
 میشود تا دلالت بر صدق رسالتش کند. در قرآن کریم برای معجزه آیت گفته شده است.

۲. کرامت: کرامت در لغت عزت را گویند و در اصطلاح عبارت است از کار خارق

۱- تعریف آن در درس گذشته هم آمده است.

العاده یی که در افعال و کردار اولیاء ظاهر میشود و مقرون به ادعای نبوت نمی باشد.

الله ﷻ می فرماید:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ (سوره یونس:

۶۲ - ۶۳)

ترجمه: آگاه باشید که یقیناً دوستان خدا هیچ ترسی نیست برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند آنان کسانی هستند که ایمان آورده و پرهیزگار بودند.

کرامت اولیاء بر اساس آیت های قرآنی ثابت است. کراماتی از صحابه کرام و کبار تابعین رخ داده و در کتابهای موثق روایت شده، وقوع آن را تأیید می کند.

بطور مثال خداوند در قرآن کریم ذکر کرده که برای حضرت مریم میوه های تازه در غیر موسم آنها داده می شد. چنانچه خداوند ﷻ می فرماید:

﴿وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْحَرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (سوره آل عمران: ۳۷)

ترجمه: و زکریا سرپرستی (مریم را) بر عهده گرفت و هرگاه که زکریا بر محراب عبادت مریم وارد می شد نزد او روزی می یافت، می گفت: ای مریم این روزی از کجا برای تو می رسد؟ (مریم) پاسخ می داد: این از نزد خدا است، هر آئینه خدا روزی می دهد هر که را می خواهد، بی شمار.

همچنان در سوره کهف خداوند متعال خبر داده که اصحاب کهف ۳۰۹ سال در یک غار بدون آب و غذا در خواب رفتند ﴿وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا﴾ (سوره کهف: ۲۵)

ترجمه: و درنگ کردند در غار سه صد سال و افزودند نه سال دیگر.

۳. **استدراج:** استدراج در لغت به معنای درجه به درجه و کم کم کسی را بالا بردن یا پایین آوردن است و در اصطلاح عبارت است از صدور امر خارق عادت از فاسق یا کافر به خاطر آنکه آرام آرام مغرور شود و در دام عقوبت خداوند متعال بیفتد.

الله تعالی می فرماید:

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾ (سوره انعام: ۴۴)

ترجمه: پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شد ایشان را گشاده ساختیم برایشان درهای همه چیز را تا این که شادمان گشتند بآنچه داده شدند. ناگهان گرفتیم ایشان را، پس ناامید شدند.

و نبی کریم ﷺ فی فرماید: «إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ يُعْطِي الْعَبْدَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَعْصِيَةٍ مَا يُحِبُّ فَإِنَّمَا هُوَ اسْتِدْرَاجٌ»

ترجمه: هرگاه دیدید که الله ﷻ بنده یی را با وجود گناهانش از نعمات دنیا طبق دلخواهش می دهد این برای او استدراج است.

فرق بین کرامت و استدراج

۱- کرامت امر خارق العاده یی است که به توفیق و همکاری الله ﷻ از اولیا و بندگان صالح صادر می شود و مشروط به داشتن ایمان و اعمال موافق شریعت می باشد؛ اما استدراج امر خارق العاده یی است که از دشمنان خدا و مؤمنان فاسق به غرض رفع نیازهای دنیوی ایشان صادر می شود؛ مانند: کارهایی که از ابلیس، فرعون، دجال و غیره صادر می شود.

۲- اولیا از کرامت سوء استفاده نمی کنند؛ اما کافران و فاسقان توسط استدراج، مردم را متوجه خویش ساخته از راه آن اموال مردم را به ناحق می خورند و منافع دنیوی حاصل می کنند.

۳- کرامت عطیه الهی است، غرض ولی از انجام اعمال نیک حصول کرامت نیست؛ بلکه تنها به خاطری قربت به الله ﷻ اعمال نیک را انجام می دهد. اما خداوند از روی لطف و احسان به او گاهی کرامت می بخشد و خودش در آن نقشی نمی داشته باشد؛ اما کافران و فاسقان برای تحصیل کارهای خارق العاده و ابراز آنها تلاش میکنند تا توجه مردم را به خود جلب نمایند.

ارزیابی

۱. معجزه را تعریف کنید.
۲. کرامت را تعریف کنید.
۳. فرق میان معجزه و کرامت را واضح سازید.
۴. استدراج را از نگاه لغت و اصطلاح تعریف نمایید.
۵. فرق میان کرامت و استدراج را واضح سازید.
۶. دلایل اثبات استدراج را بیان نمایید.

کارخانه گی

خلاصه درس را در کتابچه‌های خویش بنویسید.

رؤیت الله تعالی

والله تعالى يرى في الآخرة، ويراه المؤمنون وهم في الجنة بأعين رؤوسهم بلا تشبيه، ولا كيفية، ولا يكون بينه، وبين خلقه مسافة.

ترجمه: الله تعالی در آخرت دیده می‌شود. مؤمنان او تعالی را در جنت با چشمهای سر خویش بدون تشبیه و بدون اینکه میان او و مخلوقش فاصله‌ی وجود داشته باشد، مشاهده می‌کنند.

شرح

نظر به دلایل موجود دیدن الله تعالی در دنیا غیر ممکن است؛ زیرا چشم انسان قدرت دیدن الله تعالی را ندارد اما در آخرت نظر به دلایلی که در قرآن کریم و احادیث نبوی آمده، برای مؤمنان بهشتی دیدن الله جل جلاله ثابت و ممکن است. چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ (سوره قیامة: ۲۲ - ۲۳)

ترجمه: چهره‌هایی در آن روز خرم و تازه می‌باشد، بسوی پروردگار خود نظر کننده می‌باشد. همچنان الله می‌فرماید: ﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾ (سوره یونس: ۲۶)

ترجمه: آنان که نیکو کاری کردند برایشان بهشت باشد و زیاده بر آن.

چنانچه از حدیث معلوم میشود، منظور از «الحسنی» در آیت فوق جنت و منظور از «زیاده» دیدن الله تعالی می‌باشد.

همچنان نبی کریم صلی الله علیه و آله برای اصحاب خود فرمودند: ﴿أَمَّا إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ هَذَا الْقَمَرَ لَا تَصْأَمُونَ فِي رُؤْيَيْهِ﴾^(۱)

ترجمه: بی گمان شما پروردگار خود را (در جنت) خواهید دید؛ همچنانکه شما این مهتاب

را می بینید و در دیدن آن مزاحم یک دیگر نمی شوید.

همچنان نبی کریم ﷺ فرموده:

«إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ - قَالَ - يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تُرِيدُونَ شَيْئًا أَزِيدُكُمْ فَيَقُولُونَ أَلَمْ تُبَيِّضْ وُجُوهَنَا أَلَمْ تُدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَتُنَجِّنَا مِنَ النَّارِ - قَالَ - فَيَكْشِفُ الْحِجَابَ فَمَا أُعْطُوا شَيْئًا أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنَ النَّظَرِ إِلَى رَبِّهِمْ عَزَّ وَجَلَّ»^(۱)

ترجمه: هرگاه اهل جنت به جنت بروند، الله تعالى برای شان می گوید: آیا چیزی می خواهید که برای تان بيفزایم؟ ایشان جواب میدهند: آیا روهای ما را سفید نساخته یی، آیا ما را به جنت داخل نکرده یی، و از آتش رهایی نداده یی (یعنی زیاده ازین چه بخواهیم) پس الله تعالى حجاب را بر می دارد و ایشان به سوی او نظر می کنند و متوجه می شوند که برای شان نعمتی بهتر و محبوب تر از دیدن الله ﷻ داده نشده است.

کیفیت و هیئت دیدن الله تعالى تنها برای خودش معلوم است ما همانگونه که در نص ثابت شده ایمان و باور داریم و چگونگی آن را بخود الله تعالى محول می کنیم.

ارزیابی

۱. آیا اهل جنت، الله تعالى را دیده میتوانند؟
۲. یک دلیل برای دیدن الله تعالى در جنت ذکر کنید.
۳. خداوند می فرماید ﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾ منظور از «الحسنى» و منظور از «زیادة» را واضح سازید.

کارخانه گي

در مورد دیدن الله تعالى، خلاصه نظر اهل سنت را در کتابچه های خود بنویسید.

تعریف ایمان

وَالْإِيمَانُ هُوَ الْإِقْرَارُ، وَالتَّصَدِيقُ.
وإيمانُ أهلِ السَّماءِ والأَرْضِ لَا يَزِيدُ، وَلَا يَنْقُصُ مِنْ جِهَةِ الْمُؤْمِنِ بِهَا، وَيَزِيدُ، وَيَنْقُصُ
مِنْ جِهَةِ الْيَقِينِ، وَالتَّصَدِيقِ.
وَالْمُؤْمِنُونَ مُسْتَوُونَ فِي الْإِيمَانِ، وَالتَّوْحِيدِ، مُتَفَاوِلُونَ فِي الْأَعْمَالِ.

ترجمه: ایمان عبارت است از اقرار و تصدیق.

و ایمان اهل زمین و آسمان از نگاه (مؤمن به) نه زیاد میشود و نه کم؛ اما از نگاه تصدیق و یقین زیاد و کم میشود.

همه مؤمنان در ایمان و توحید برابر اند، اما در اعمال، یکی بر دیگری فضیلت دارند.

شرح

ایمان در لغت، تصدیق و باور را گویند. چنانچه الله جل جلاله از زبان برادران حضرت یوسف علیه السلام می فرماید. ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا﴾ (سوره یوسف: ۱۷)
ترجمه: و تو بر ما باور نداری.

ایمان در اصطلاح عبارت است از تصدیق به قلب و اقرار به زبان؛ پس اگر در قلب کسی تصدیق پیدا شد اما بدون عذر به زبان اقرار نکرد، مؤمن گفته نمی شود؛ همچنان اگر کسی به زبان اقرار کرد اما در دل باور نداشت، نیز مؤمن گفته نمی شود.

زیادت و نقصان ایمان:

ایمان به نسبت «مؤمن به»؛ یعنی اموری که ایمان به آن واجب است، نه زیاد میشود و نه کم، پس همه مؤمنان در اصل تصدیق (ایمان) برابر اند؛ زیرا مؤمن به ثابت بوده نه زیادت می یابد

و نه نقصان، اما اگر کسی به برخی (مؤمن به) ایمان می آورد و به برخی ایمان نمی آورد، اصلاً مؤمن شده نمی تواند و تبعیض وی در ایمان، نقص و کمی برای ایمان وی پنداشته نمی شود، بلکه اصل ایمان بطور کامل از او زائل می شود؛ چنانچه الله تعالی می فرماید: ﴿أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ﴾ (سوره بقره: ۸۵)

ترجمه: آیا ایمان می آرید به بخشی از کتاب و کافر می شوید به بخش دیگر؟

فضیلت و برتری در اعمال: مؤمنان همه در اصل ایمان و توحید برابر اند و یکی بر دیگری بهتری ندارد، اما از روی اعمال یکی بر دیگری فضیلت دارد، صاحب اعمال زیاد نسبت به صاحب اعمال کم بهتر است، الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ﴾ (سوره حجرات: ۱۳)

ترجمه: هر آئینه گرامی ترین شما نزد الله ﷻ پرهیزگار ترین شما است.

ارزیابی

- ۱- ایمان را تعریف نمایید.
- ۲- آیا ایمان زیادت و نقصان را می پذیرد؟
- ۳- آیا همه مؤمنان در ایمان برابر اند؟
- ۴- آیا اگر کسی به برخی از آیات ایمان بیاورد و به برخی ایمان نیاورد مؤمن پنداشته میشود؟

کارخانه گی

شاگردان، خلاصه درس را در کتابچه های خویش بنویسند.

فرق بین ایمان و اسلام

والاسلامُ هُوَ التسليم، والانقيادُ لأوامِرِ اللهِ تعالى.
فَمِنْ طَرِيقِ اللُّغَةِ فَرَقَ بَيْنَ الإسلامِ، والإيمانِ، وَلَكِنْ لَا يَكُونُ إيمانٌ بِلا اسلامٍ، وَلَا يُوجَدُ
إسلامٌ بِلا إيمانٍ، وَهُمَا كَالظَّهَرِ مَعَ الْبَطْنِ.
وَالَّذِينَ اسْمُهُمُ واقِعٌ عَلَى الإيمانِ، والإسلامِ، والشرائعِ كلها

ترجمه: اسلام، عبارت است از تسلیم شدن و گردن نهادن به اوامر الهی.
گرچه از روی لغت بین اسلام و ایمان فرق وجود دارد، اما ایمان بدون اسلام و اسلام بدون
ایمان وجود نمی داشته باشد و هر دو حیثیت ظاهر و باطن یک چیز را دارند.
اما دین، اسمی است که بر اسلام، ایمان و بر همه قوانین شریعت اطلاق میشود.

شرح

رابطه میان اسلام و ایمان

ایمان از روی لغت باور کردن و اسلام، انقیاد و گردن نهادن را گویند. تصدیق و باور تنها
باطنی بوده و محل آن تنها قلب است و زبان ترجمان قلب محسوب می شود. اما تسلیم و
انقیاد ظاهراً و باطناً صورت می گیرد و دل و زبان و همه اعضای بدن در آن اشتراک می داشته
باشد.

از نگاه اصطلاحی، ایمان و اسلام گاهی با هم مترادف می آیند و گاهی متغایر.
۱- ترادف: رابطه میان ایمان و اسلام گاهی رابطه ترادف می باشد، یعنی هر دو با هم
مترادف می آیند و هر دو بر یک معنی دلالت می کنند و هر کدام که تنها ذکر شود، همه
شریعت (عقائد، احکام و اخلاق) را دربر می گیرد. درین حالت اسلام و ایمان لازم و ملزوم

یکدیگر می باشد. یعنی ایمان بدون اسلام و اسلام بدون ایمان به وجود آمده نمی تواند. چنانچه الله تعالی می فرماید:

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُّسْلِمِينَ﴾ (سوره یونس: ۸۴)
ترجمه: و گفت موسی، ای قوم من اگر بخدا ایمان دارید پس بر وی توکل کنید، اگر مسلمان هستید.

همچنان رسول اکرم ﷺ در تعریف اسلام می فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَحَجِّ الْبَيْتِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ»^(۱)
ترجمه: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: گواهی دادن بر اینکه جز الله تعالی کس دیگری لایق عبادت نیست و اینکه محمد بنده الله و پیغمبر اوست، و اقامه کردن نماز است و دادن زکات و حج بیت الله و روزه گرفتن رمضان.

در یک حدیث دیگر رسول اکرم ﷺ، ایمان را تعریف می کند، اما عین همان تعریفی را که به اسلام گفته بود تکرار می نماید. چنانچه می فرماید: «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^(۲)

یعنی: ایمان این است که گواهی بدهی بر اینکه معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده خداست و بر پا داری نماز را و بدهی زکات را و روزه بگیری ماه رمضان را و حج اداء کنی خانه خدا را.

در این نصوصی که ذکر کردیم اسلام و ایمان مترادف بوده یکی بجای دیگری اطلاق می گردد و هر دو به یک معنی آمده است.

۲- **تغایر:** گاهی میان ایمان و اسلام رابطه تغایر وجود دارد و معنای هر کدام با دیگر متغایر و متفاوت می باشد. درین حالت، اسلام اقرار ظاهری و عمل به ظاهر شریعت و ایمان باور کردن قلبی بر همه محتوای شریعت را گویند چنانچه الله تعالی می فرماید: ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ

۱- صحیح مسلم - (۱ / ۳۴)

۲- صحیح مسلم - (۱۶ / ۲۲)

أَمَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ﴿١٤﴾ (سورة حجرات: ۱۴)

ترجمه: عرب‌های باده نشین گفتند که ایمان آوردیم. بگو ایمان نیاورده اید و لیکن بگویید که اسلام آورده ایم (منقاد شده ایم) در حالی که داخل نشده ایمان در دل‌های تان.

همچنان رسول اکرم ﷺ در جواب جبرئیل امین در مورد اسلام فرمودند:

«الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتُحْجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا».

و پس از آن، رسول اکرم در مورد ایمان فرمودند:

«أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ».^(۱)

ترجمه: ایمان این است که باور داشته باشی به الله تعالی و به فرشتگان او و به کتاب‌های او و به پیامبران او و به روز قیامت و ایمان داشته باشی به اینکه اندازه خیر و شر از جانب الله می‌باشد.

تعریف دین

لفظ دین در زبان عربی به چهار معنی می‌آید:

۱- اطاعت و فرمان برداری و مغلوبیت.

۲- حاکمیت و فرمان داری.

۳- قضاوت و داوری.

۴- پاداش و جزا.

اما در اصطلاح شرعی علماء، دین را چنین تعریف کرده اند: «دین عبارت است از آنچه که خداوند وضع کرده تا خردمندان را با اختیار خودشان به سوی صلاح در زمان حال و رستگاری و فلاح در آخرت، رهنمایی کند»^(۲)

واژه دین در متون اسلامی، گاهی به معنای ایمان و گاهی به معنای اسلام و گاهی به معنای کل محتوای شریعت اسلامی به کار می‌رود و ایمان و اسلام هر دو را در بر می‌گیرد، چنانچه الله می‌فرماید:

۱- صحیح مسلم - (۱ / ۲۸)

۲- محمد علی التهانوی: کشف اصطلاحات الفنون والعلوم ۸۱۴/۱

«وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (سوره نصر: ۲)

ترجمه: و بینی مردمان را که داخل میشوند در دین خدا گروه گروه.

❓ ارزشیابی:

- ۱- اسلام را تعریف نمایید؟
- ۲- معنای لغوی ایمان و اسلام را بنویسید.
- ۳- ایمان و اسلام گاهی با هم مترادف می باشند و گاهی متغایر هر کدام از این دو رابطه را روشن سازید.
- ۴- معنای دین را بیان کنید.

🏠 وظیفه خانگی:

در مورد ایمان و اسلام یک مقاله بنویسید.

خدا شناسی و خدا پرستی

نَعْرِفُ اللَّهَ تَعَالَى حَقَّ مَعْرِفَتِهِ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ فِي كِتَابِهِ بِجَمِيعِ صِفَاتِهِ.
وَلَيْسَ يَقْدِرُ أَحَدٌ أَنْ يَعْبُدَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ كَمَا هُوَ أَهْلٌ لَهُ وَلَكِنَّهُ يَعْبُدُهُ بِأَمْرِهِ كَمَا أَمَرَهُ
(فِي كِتَابِهِ وَسُنَّةِ رَسُولِهِ).
وَيَسْتَوِي الْمُؤْمِنُونَ كُلُّهُمْ فِي الْمَعْرِفَةِ وَالْيَقِينِ وَالتَّوَكُّلِ وَالْحُبِّ وَالرِّضَاءِ وَالْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ
وَالْإِيمَانِ فِي ذَلِكَ وَيَتَفَاوَتُونَ فِيمَا دُونَ الْإِيمَانِ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ.
وَاللَّهُ تَعَالَى مُتَفَضِّلٌ عَلَى عِبَادِهِ، عَادِلٌ قَدْ يُعْطِي مِنَ الثَّوَابِ أَضْعَافَ مَا يَسْتَوْجِبُهُ الْعَبْدُ
تَفَضُّلاً مِنْهُ وَقَدْ يُعَاقِبُ عَلَى الذَّنْبِ عَذَاباً مِنْهُ وَقَدْ يَعْفُو فَضْلاً مِنْهُ.

ترجمه: ما الله تعالی را کماحقه به همه آن صفاتی که خود را به آن در قرآن کریم توصیف نموده است می شناسیم.

هیچ کس نمی تواند او تعالی را چنانکه شایسته است عبادت نماید و لیکن او را مطابق به امرش عبادت می کند آن چنانکه در کتابش و سنت پیغمبرش امر نموده است.

همه مؤمنان در معرفت، یقین، توکل، محبت، رضا، خوف، امید و ایمان با هم برابرند و در امور پایین تر از ایمان با هم فرق دارند.

الله تعالی بر بندگان خویش بسیار مهربان و عادل است؛ گاهی از روی مهربانی خویش چند برابر استحقاق به بندگان پاداش اعطا می کند و گاهی از روی عدل خویش به اندازه گناه برای مرتکب آن جزا میدهد و گاهی از روی مهربانی خویش آنها را می بخشد.

شرح

شناخت اسما و صفات خداوند متعال: برای ما لازم است که الله تعالی را به همه صفاتی که او خود را بر آن موصوف نموده و یا در احادیث برای او تعالی ثابت شده، بشناسیم.

الله تعالی می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (سوره اعراف: ۱۸۰)

ترجمه: و خدا را است نام‌های نیک پس بخوانید او را به آن نامها و بگذارید آنانرا که کجروی می کنند در نامهای خدا، جزای آنچه انجام می دادند برایشان داده خواهد شد.
در حدیث شریف از ابوهریره رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرموده است: «إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ.»^(۱)
ترجمه: الله ﷻ نود و نه اسم دارد، کسی که آنها حفظ نمود (و به مقتضی آن عمل کرد) داخل جنت خواهد شد.

البته از حدیث مذکور لازم نمیشود که اسمای الله تعالی در نود و نه منحصر است، بلکه پروردگار متعال علاوه بر آن، اسمای دیگری هم دارد؛ بنابر این امام ابوحنیفه میگوید که باید خدا را با همه اسماء و صفاتش شناخت و آنها را در عدد معینی نباید محدود کرد.

حق بندگی الله تعالی: چنانچه امام ابوحنیفه رحمه الله می گوید «هیچکس نمیتواند که الله تعالی را آن چنانکه شایسته اوست عبادت کند» از همین جهت الله تعالی هیچکس را بالاتر از توانش مکلف نساخته؛ بلکه تکالیف شرعی را طوری وضع نموده که از توان و قدرت ایشان بیرون نباشد؛ چنانچه می فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (سوره بقره: ۲۸۶)
ترجمه: خداوند مکلف نمی کند کسی را مگر به اندازه توانش.

بنا برین بنده باید به اندازه توان خود مطیع و فرمان بردار الله تعالی باشد، در هر جا و هر وقت اطاعت الله و رسول را بجا آورد و اراده و اختیار خود را تحت اراده و اختیار شرع قرار دهد.
چنانچه الله تعالی می فرماید:

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (سوره قصص: ۶۸)
ترجمه: و پروردگار هر چه خواهد می آفریند و برمی گزیند و دیگران را اختیاری نیست.
خداوند پاک تر و بلند تر از آن است که برای او شریک می آورند.

تعریف عبادت: عبادت در لغت به معنای خضوع و تذلل است و هر عملی که در آن نهایت خضوع و کرنش با کمال محبت و امید جمع شود عبادت است.

در اصطلاح شرع اسلامی: عبادت اسم جامعی است برای هر آنچه که خداوند آنرا دوست دارد و به آن امر فرموده است. پس عمل به آنچه خداوند ما را امر کرده عبادت است؛ همچنان اجتناب از آنچه خداوند ما را از آن نهی کرده نیز عبادت است و عادات مشروع؛ مانند: خوردن، نوشیدن و غیره اگر به قصد امتثال اوامر خدا و به هدف استعانت بر طاعت خدا انجام شود نیز عبادت است.

شروط قبول عبادت در اسلام: عبادت در اسلام وقتی قابل قبول و پذیرش می‌شود که در آن دو شرط موجود باشد: اخلاص نیت و مطابقت با شریعت محمدی. چنانچه خداوند می‌فرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (سوره كهف: ۱۱۰).

ترجمه: پس هر کی به دیدار پروردگارش امیدوار است، باید که عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش کس دیگری را شریک نسازد.

علما می‌گویند: مراد از عمل صالح مطابق بودن آن با ظاهر شریعت نبوی و مراد از شریک قرار ندادن در عبادت، اخلاص، یعنی دور بودن آن از ریا و تظاهر است.

و از آنجا که الوهیت یعنی عبودیت و عبادت از ویژگی‌های آفریدگار جهان محسوب می‌شود، صرف عبادت جز به پیشگاه او به چیزی و کس دیگری جایز نبوده صرف آن به غیر الله شرک می‌باشد.

هدف بعثت پیامبران، دعوت مردم به عبادت خدای واحد: پیامبران الله ﷺ به خاطر دعوت مردم به توحید الوهیت و منحصر کردن عبادت در ذات الله تعالی مبعوث شده اند. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ (سوره انبیاء: ۲۵)

ترجمه: و نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری؛ مگر اینکه وحی می‌کردیم به وی که نیست

هیچ معبود برحق غیر از من، پس تنها مرا پرستش کنید.
چنانچه قرآن کریم گواهی می‌دهد بسیاری از مشرکان به توحید ربوبیت باور داشتند و خداوند متعال را خالق و رازق جهان می‌دانستند؛ اما انحرافشان در توحید الوهیت یعنی در توحید عبادت بود؛ چنانچه الله جل جلاله می‌فرماید:

«وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ» (سوره زخرف: ۸۷).

ترجمه: و اگر سؤال کنی از ایشان که کدام کس بیافرید ایشانرا، البته گویند خدا آفریده است پس چگونه برگردانیده میشوید از عبادت الله.

مؤمنان در معرفت خدا برابر اند: همه مؤمنان از نگاه معرفت، توکل و محبت خداوند و در خوف و امید از او، با هم برابر و مساوی اند؛ زیرا اینها به یقین، باور و اخلاص ارتباط دارند و اصل و جوهر یقین، باور و اخلاص، زیادت و نقصان را نمی‌پذیرد؛ اما مؤمنان در انجام اعمال باهم متفاوت اند.

ارزیابی

- ۱- آیا مؤمنان در اصل معرفت باهم مساوی اند؟
- ۲- آیا تعداد اسمای الله تعالی در نود و نه اسم محدود می‌باشد؟
- ۳- چگونه می‌توان عبادت الله تعالی را بجا آورد؟
- ۴- عبادت را تعریف نمایید.
- ۵- شروط قبول عبادت را بنگارید.

کارخانه گوی

شاگردان، در مورد این درس یک مقاله کوتاه بنویسند.

احوال عالم برزخ

وَسْأَلُ مُنْكَرٍ، وَنَكِيرٍ حَقُّ كَائِنٌ فِي الْقَبْرِ.
وإِعَادَةُ الرُّوحِ إِلَى الْجَسَدِ فِي قَبْرِهٖ حَقٌّ.
وَضَعْفَةُ الْقَبْرِ، وَعَذَابُهُ حَقٌّ كَائِنٌ لِلْكَفَّارِ كُلِّهِمْ، وَلِبَعْضِ عَصَاةِ الْمُؤْمِنِينَ حَقٌّ جَائِزٌ.
وَكُلُّ شَيْءٍ ذَكَرَهُ الْعُلَمَاءُ بِالْفَارْسِيَّةِ مِنْ صِفَاتِ اللَّهِ عَزَّ إِسْمُهُ فَجَائِزُ الْقَوْلِ بِهِ سِوَى الْيَدِ
بِالْفَارْسِيَّةِ وَيَجُوزُ أَنْ يُقَالَ (بروی خدای) عَزَّ وَجَلَّ بِلَا تَشْبِيهِ، وَلَا كَيْفِيَّةٍ.

ترجمه: پرسان کردن نکیر و منکر در قبر حق است و واقع شدنی است.
و همچنان عودت روح به بدن مرده در قبر حق است، و فشار دادن و تعذیب قبر برای همه
کفار و نیز برای برخی مؤمنان گنهگار حق و واقع شدنی است.
و هر آنچه که علما به زبان فارسی در باره صفات باری تعالی ترجمه نموده اند جایز است؛ به
استثنای «ید» (که در فارسی باید برای آن دست گفته نشود) اما جایز است که گفته شود، به
روی خدا به شرطی که تشبیه و بیان کیفیت در آن صورت نگیرد.

شرح

عالم برزخ: هرگاه انسان بمیرد به مرحله اول جهان آخرت داخل می گردد که برای آن
برزخ گفته میشود. برزخ در لغت پرده و حایل و فاصله میان دو چیز را گویند. الله جل جلاله
می فرماید:

﴿يَبْتَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ (سوره رحمن: ۲۰)^(۱)

ترجمه: میان این هر دو دریا فاصله و حایلی است که یکی بر حدود دیگری تجاوز نمیکند.
و در اصطلاح: برزخ عبارت است از مرحله یی که میان عالم دنیا و عالم آخرت می آید و میان
هر دو فاصله و حایل ایجاد می کند و آن از مرگ شروع می شود و تا قیام قیامت ادامه پیدا
می کند؛ چنانچه الله می فرماید: ﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ (سوره مؤمنون: ۱۰۰)
ترجمه: و از عقب (کسانی که می میرند) فاصله و حجابی باشد تا روزیکه برانگیخته شوند.

سؤال نکیر و منکر: بعد از آنکه متوفی در قبر گذاشته می‌شود، دو فرشته بنامهای نکیر و منکر نزد او می‌آیند و او را زنده نموده از وی سه سؤال می‌کنند:

۱. پروردگارت کیست؟

۲. دینت چیست؟

۳. پیغمبرت کیست؟

اگر متوفی مؤمن صالح باشد، جواب میدهد: رب من الله عز وجل است، دین من اسلام است و پیغمبر من محمد ص است.

پس از آن فرشته‌ها جایگاه او را در بهشت معرفی مینمایند و او را به سعادت ابدی مژده می‌دهند و پس از آن گور او باغچه‌یی از باغچه‌های بهشت خواهد بود تا روز رستاخیز و اگر متوفی منافق و یا کافر باشد، سؤالهای فوق را پاسخ داده نمی‌تواند و می‌گوید: «لا ادری» یعنی من نمیدانم.

پس فرشتگان او را با گرزهای آهنین چنان می‌کوبند که چیغ و فغان او بلند می‌شود و صدای فریادش را جز انسان‌ها و جنیات، همه موجودات می‌شنوند.^(۱) و پس از آن گور او حفره‌یی از حفره‌های دوزخ خواهد بود تا روز رستاخیز.

آمدن روح به بدن: الله تعالی برای مرده درقبر یک نوع زندگی می‌بخشد که از اثر آن مرده در قبر احساس عذاب و یا نعمت میکند. این زندگی با دلایلی از قرآن و سنت ثابت است و ما به آن ایمان و باور داریم؛ اما چگونگی آن به ما معلوم نیست.^(۲)

فشار قبر: فشار قبر حق و ثابت است و یقین و باور کردن بر آن واجب می‌باشد، نبی کریم ص در حدیثی به روایت حضرت عایشه صدیقہ رضی الله عنها می‌فرماید: «بدون شک ضغطه (فشار) قبر واقع شدنی است. اگر کسی از آن رهایی می‌یافت، سعد بن معاذ از آن رهایی می‌یافت».^(۳)

عذاب قبر و نعمت‌های آن: یکی از مُسَلِّمات عقیده اسلامی ایمان به احوال عالم برزخ و باور به این است که انسانها پس از مرگ، در گور خویش نظر به اعمالشان تعذیب و شکنجه می‌شوند و یا از نعمات الهی محظوظ و بهره‌مند می‌گردند، این حقیقت در قرآن کریم و سنت

۱- صحیح البخاری.

۲- شرح عقیده طحاوی را درین مورد مطالعه گردد البته صفحه ۲۶۷

۳- تهذیب الآثار - امام طبری حدیث ۳۲۸

نبوی، ثابت گردیده است؛ چنانچه الله تعالی در مورد فرعونیان می‌فرماید:

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ (سوره غافر: ۴۶)

ترجمه: فرعونیان صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند و روزی که قیامت برپا شود (ندا آید که) آل و خویشان فرعون را در سخت‌ترین عذاب (جهنم) وارد کنید.

الله تعالی درین آیت آل فرعون را به دو نوع عذاب وعید داده و نوع دوم را به آخرت موکول کرده و آنرا به نوع اول معطوف ساخته و چون عطف دلالت به مغایرت دارد معلوم میشود که عذاب نوع اول پس از مرگ و قبل از قیام قیامت برای شان داده میشود و آن بدون عذاب قبر، چیز دیگری نیست.

همچنان نبی کریم ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ»^(۱)

ترجمه: بدون شک قبر باغچه‌یی از باغچه‌های جنت و یا حفره‌یی از حفره‌های جهنم می‌باشد.

ارزیابی

- ۱- معنی لغوی و اصطلاحی برزخ را بیان کنید.
- ۲- نکیر و منکر چه کسانی اند و چه سؤالهایی را در قبر مطرح می‌کنند؟
- ۳- یک دلیل از قرآن کریم و یک دلیل از حدیث نبوی در مورد نعمت و عذاب قبر ذکر کنید؟

کارخانه‌گی

در مورد احوال قبر و عالم برزخ یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

شفاعت

وَشَفَاعَةُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَقٌّ، وَشَفَاعَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْمُؤْمِنِينَ الْمَذْنِبِينَ، وَلَأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْهُمْ الْمُسْتَوْجِبِينَ الْعِقَابَ حَقٌّ ثَابِتٌ

ترجمه: شفاعت انبیاء علیهم السلام حق است و شفاعت نبی کریم ﷺ برای مؤمنان گناهکار و اصحاب کبائر که مستحق دوزخ گردیده باشند حق و ثابت است.

شرح

تعریف شفاعت

شفاعت در لغت وساطت را گویند و در اصطلاح شرعی، شفاعت عبارت است از طلب مغفرت از خداوند متعال، برای کسی که مستحق عذاب الهی گردیده باشد.

انواع شفاعت

شفاعت بر دو نوع است: شفاعت مقبول و شفاعت مردود:

شفاعت مقبول: شفاعتی است که در آن شرایط ذیل موجود باشد:

الف- اذن و اجازه خداوند متعال برای شفاعت کننده؛ زیرا بدون اجازه او تعالی کسی به کسی شفاعت کرده نمی تواند.

ب- موحد بودن شفاعت شونده. اگر کسی از دنیا با شرک و یا کفر برود در روز قیامت از شفاعت کسی بهره مند شده نمی تواند.

شفاعت مردود: شفاعتی است که شرایط فوق الذکر در آن متوفر نشده باشد.

شفاعت مقبول، باز بر دو نوع است: شفاعت خاصه و شفاعت عامه:

شفاعت خاص: و آن عبارت است از شفاعت انبیا و اولیا، شهدا و صدیقین و صالحین برای تعدادی از مؤمنان گناهکار در روز قیامت تا مورد عفو پروردگار قرار گیرد و از عذاب دوزخ نجات یافته وارد بهشت شوند.

شفاعت عامه یا عظمی: این شفاعت مخصوص نبی کریم ﷺ می باشد و جز او به کس دیگری داده نمی شود و در حدیث شریف «مقام محمود» خوانده شده است؛ بنا بر احادیث صحیح و معتبر، در روز قیامت مردم برای شروع حساب و کتاب، مدت ها سرگردان و پریشان، انتظار می کشند و هر امتی از پیغمبر خود، تقاضا می کند که به درگاه الهی دست نیاز بلند کند و از وی التماس کند تا خداوند بر خلائق رحم آورد و حساب و کتاب آنها را آغاز نماید؛ اما هر کدام از آنها معذرت می خواهد و می گوید که به پیغمبر اسلام حضرت محمد مصطفی مراجعه کنند، بالآخره همه خلائق به ایشان مراجعه می کند و ایشان در درگاه الهی سر به سجده می گذارد و از وی با سوز و گداز التماس می کند که مردم را از این هول بزرگ نجات داده حساب و کتاب آنها را آغاز نماید. خداوند دعای آن حضرت را استجابت می کند و حساب و کتاب بندگان را آغاز می کند و بدین ترتیب، دروازه شفاعت برای همه کسانی که مستحق آن اند باز می شود و همه پیامبران، فرشتگان، بندگان صالح، صدیقین و شهداء برای تعدادی شفاعت می نمایند؛ البته برخی از این شفاعت ها برای آن است تا یک تعداد مردم رهسپار جنت گردند و برخی برای آن است تا بر یک تعداد عذاب تخفیف یابد و از یک تعداد درجات شان بلندتر شود.^(۱)

ارزیابی

- ۱- معنی لغوی و اصطلاحی شفاعت را بیان کنید.
- ۲- شفاعت بر چند نوع است؟
- ۳- شرایط قبول شفاعت را بیان کنید؟
- ۴- شفاعت عظمی چگونه و مخصوص کی می باشد؟

کارخانه گی:

در مورد شفاعت نبی اکرم ﷺ، یک مقاله بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.

۱- خلاصه مضمون حدیث متفق علیه (روایت شده توسط مسلم و بخاری).

میزان و حوض

وَوَزَنُ الْأَعْمَالِ بِالْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَقٌّ، وَحَوْضُ النَّبِيِّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ حَقٌّ.

ترجمه: وزن کردن اعمال توسط ترازو روز قیامت حق است و همچنان حوض نبی اکرم ﷺ حق است.

شرح

ترازوی اعمال: الله تعالی در روز قیامت جهت وزن اعمال بندگان خویش ترازویی را وضع مینماید و توسط آن اعمال شانرا وزن و در حضور همه مردم آنرا آشکار مینماید. چگونگی آن ترازو برای ما معلوم نیست؛ اما به آن ایمان و باور داریم؛ زیرا الله ﷻ می فرماید:

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا﴾ (سوره انبیا: ۴۷)

ترجمه: و در میان نهیم ترازوی عدل را روز قیامت پس هیچ ستمی بر هیچ کسی کرده نشود.

همچنان نبی اکرم ﷺ می فرمایند: «دو کلمه است که به زبان خفیف و نزد خداوند محبوب و در ترازوی اعمال ثقیل می باشد، یکی «سبحان الله وبحمده» و دیگر «سبحان الله العظيم» است».

حوض رسول اکرم ﷺ: الله جل جلاله در روز قیامت به پیغمبر ما حضرت محمد ﷺ امتیازات بلندی عطا می فرماید که یکی از آنها حوض کوثر است.

حوض کوثر که حوض رسول اکرم ﷺ نیز خوانده می شود، آبش از شیر سفید تر و از برف سرد تر و از عسل شیرین تر و از مشک خوشبو تر است. طول و عرض آن مساوی بوده هر زاویه اش به اندازه مسافت یکماهه راه است.

چنانچه رسول اکرم ﷺ می فرمایند: عَنِ ابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ قَالَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- « حَوْضِي مَسِيرَةُ شَهْرٍ وَزَوَايَاهُ سَوَاءٌ وَمَاؤُهُ أَبْيَضُ مِنَ الْوَرِقِ وَرِيحُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ وَكِيزَانُهُ كَنْجُومِ السَّمَاءِ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَا يَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا »^(۱) ترجمه: «حوض من به اندازه مسافت یکماهه فراخی دارد و همه زاویه هایش با هم مساوی و برابر است، آبش از نقره سفید تر و بوی آن از مشک خوشبو تر می باشد. پیاله های آن به مثل ستاره های آسمان است و کسی که از آن بنوشد هیچگاه تشنه نخواهد شد». این حوض که از بهشت سرچشمه می گیرد در میدان محشر می باشد، کسانی که از شفاعت رسول اکرم ﷺ بهره مند می گردند مستحق نوشیدن آن می شوند، خداوند ما و شما را از شفاعت رسول اکرم ﷺ و از نوشیدن آب کوثر محروم نگرداند.

ارزیابی

- ۱- اعمال انسان ها چه وقت وزن می شود؟
- ۲- برای اثبات وزن اعمال دو دلیل نقلی ذکر کنید.
- ۳- برای اثبات حوض نبی کریم ﷺ دلیل بیاورید.

کارخانه گی

در مورد صفات حوض کوثر یک مقاله کوتاه بنویسید.

حساب، جنت و دوزخ

وَالْقِصَاصُ فِيمَا بَيْنَ الْخُصُومِ بِالْحَسَنَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَقٌّ، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ لَهُمُ الْحَسَنَاتُ فَطَرَحُ السَّيِّئَاتِ عَلَيْهِمْ حَقٌّ جَائِزٌ.

والجنة، والنار مخلوقتان لا تفنيان أبداً، ولا يفنى عقابُ الله تعالى، وثوابه سرمداً. والله تعالى يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَضْلاً مِنْهُ، وَيُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ عَدَلاً مِنْهُ، وإِضْلَالُهُ خُذْلَانُهُ. وتفسير الخُذْلَانِ أَنْ لَا يُوفَّقَ الْعَبْدُ إِلَى مَا يَرْضَاهُ، وَهُوَ عَدْلٌ مِنْهُ، وكذا عقوبة المخذول على المعصية.

وَلَا يَجُوزُ أَنْ نَقُولَ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْلُبُ الْإِيمَانَ مِنَ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ قَهْرًا وَجَبْرًا، وَلَكِنْ نَقُولُ الْعَبْدُ يَدْعُ الْإِيمَانَ فَحِينَئِذٍ يَسْلُبُهُ مِنْهُ الشَّيْطَانُ.

ترجمه: گرفتن قصاص با اخذ نیکی های ظالم و دادن آن به مظلوم، در روز قیامت حق است. در صورتی که ظالمان نیکی نداشته باشند، گرفتن گناهان مظلومین و بار کردن آنها بر ظالمان حق و ممکن است.

جنت و دوزخ همین حالا خلق شده و موجود است و هرگز از بین نمی رود. همچنین ثواب و عذاب الهی از بین نمی رود و دایمی می باشد.

خداوند هر کی را بخواهد از روی مهربانی رهنمایی مینماید و هر کی را بخواهد بر اساس عدالت، گمراه میکند. و گمراه کردن خداوند به معنای خذلان اوست.

و معنی خذلان آنست که الله برای بنده توفیق انجام کاری را که موجب رضایتش باشد، نمی دهد و این عدل او است؛ همچنان جزا دادن به گنهکار از جانب الله عدل محسوب میشود.

و جایز نیست بگوییم که شیطان از بنده مؤمن به زور و جبر ایمان را سلب می‌نماید؛ بلکه می‌گوییم که بنده، ایمان را ترک می‌نماید و پس از آن شیطان آنرا از او سلب می‌کند.

شرح

اخذ قصاص از ستمگران در روز قیامت: در روز قیامت و در درگاه عدل الهی ستمگران و مستکبران به جزای اعمال بدشان می‌رسند و از آنها برای مظلومین و ستمدیدگان قصاص گرفته می‌شود. چنانچه از احادیث نبوی بر می‌آید در آن روز نیکی‌های ظالم گرفته می‌شود و به مظلوم داده می‌شود و اگر ظالم نیکی نداشته باشد گناهان مظلوم بر ظالم بار کرده می‌شود. درین مورد نبی کریم ﷺ می‌فرماید:

اگر کسی برگردنش حق کسی باشد، امروز (در دنیا) خود را از آن رها سازد، قبل از فرا رسیدن روزی که نه دینار باشد و نه درهم. در آن روز اگر دارای عمل نیک باشد به اندازه حق مظلوم از او گرفته می‌شود و به مظلوم داده می‌شود و اگر عمل نیک نداشته باشد، گناهان صاحب حق بر او بار کرده می‌شود.^(۱)

جنت و دوزخ همین اکنون وجود دارد و دایم خواهد بود: جنت و دوزخ همین اکنون موجود بوده و برای همیشه باقی خواهد ماند و هرگز از بین نخواهد رفت. به همین ترتیب نعمت‌ها و عذاب‌های مهیا شده در بهشت و دوزخ، از بین نخواهد رفت، الله تعالی در مورد جنت می‌فرماید:

﴿أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾: یعنی جنت برای متقیان آماده گردیده است و در مورد دوزخ می‌فرماید: ﴿أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾: یعنی دوزخ برای کافران آماده گردیده است.

و در حدیث دیگری روایت شده که: «در جنت چنان نعمت‌هایی وجود دارد که نه چشمی آنرا دیده و نه گوشی آنرا شنیده و نه در دل کسی خطور کرده است».^(۲)

هكذا از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که نبی کریم ﷺ فرمود: "هر گاه که جنتیان به جنت و دوزخیان به دوزخ بروند، مرگ آورده می‌شود و در میان جنت و دوزخ ذبح می‌گردد و صدا کرده

۱- امام بخاری شماره حدیث ۶۵۳۴-۲۴۴۹

۲- بخاری حدیث ۴۷۵۰- سرفوی ۳۱۹۷-۳۲۹۲

میشود: ای اهل جنت! بعد ازین جاویدانگی است و مرگ نمی آید و ای اهل دوزخ! بعد ازین جاویدانگی است و مرگ به سراغ تان نمی آید. در این حالت، خرسندی اهل جنت دو برابر و پریشانی اهل دوزخ نیز دو برابر می گردد.

لازم به تذکر است که دوام و بقای جنت و دوزخ به ادامه و ابقای پروردگار است، ورنه آنها در ذات خود فنا و زوال را می پذیرند و تنها ذاتی که فنا نا پذیر می باشد ذات پروردگار متعال است.

ارزیابی

- ۱- در بارهٔ اخذ قصاص از ستمگران معلومات بدهید.
- ۲- آیا جنت و دوزخ هم اکنون وجود دارند یا اینکه بعدا آماده می شوند؟
- ۳- حدیثی را که دلالت بر دائمی بودن جنت و دوزخ دارد، ذکر کنید.

کارخانه گی

خلاصهٔ این درس را در کتابچه های تان بنویسید.

فضیلت و برتری میان آیت‌های قرآنی

والقرآن منزلٌ علی رسولِ الله ﷺ ، وهو فی المصاحفِ مکتوبٌ.
وآیاتُ القرآنِ فی معنی الکلامِ کُلُّها مُستَوِیَّةٌ فی الفضیلةِ، والعظمةِ.
إلا أنَّ لِبَعْضِها فَضِیلةَ الذِّکرِ، وَفَضِیلةَ الْمَذْکُورِ مِثْلَ آیةِ الكرسي، لأنَّ المذکورَ فیها جلالُ
اللهِ تعالی، وعظمتُهُ، وصفاته، فَاجْتَمَعَتْ فیها فضیلتانِ، فضیلةُ الذِّکرِ، وفضیلةُ المذکورِ.
وَلِبَعْضِها فَضِیلةُ الذِّکرِ فَحَسِبَ مِثْلَ قِصَّةِ الْکُفَّارِ، وِلِیسَ لِلْمَذْکُورِ فیها فَضْلٌ، وَهَمَّ
الْکُفَّارُ.
وَكَذَلِکَ الْأَسْمَاءُ، وَالصِّفَاتُ کُلُّها مُستَوِیَّةٌ فی الْعَظَمَةِ، وَالْفَضْلِ لَا تَفَاوُتَ بَیْنَهَا.

ترجمه: قرآن کریم از جانب خدا بر رسول اکرم ﷺ نازل گردیده و در صحیفه‌ها نوشته شده است.

آیات قرآن از لحاظ اینکه همه آنها کلام الهی است در فضیلت و عظمت با هم برابر اند. مگر برخی از آنها هم از فضیلت ذکر برخوردار است و هم از فضیلت مذکور؛ مانند: آیت الكرسي، زیرا در آن جلال، عظمت و صفات الله تعالی تذکر یافته است، پس دو فضیلت در آن جمع شده یکی فضیلت ذکر و دیگر فضیلت مذکور. و برخی آیت‌ها تنها از فضیلت ذکر برخوردار می‌باشد؛ مانند: آیاتی که در آنها قصه‌های کفار مذکور قرار گرفته؛ اما در این مذکور کدام فضیلتی وجود ندارد. و هکذا همه اسما و صفات‌های الله تعالی در عظمت و فضیلت برابر بوده تفاوتی در میان آنها وجود ندارد.

شرح

تفاوت میان آیات قرآنی از نگاه محتوا: در این درس امام ابو حنیفه رحمه الله به فضیلت محتوای قرآن توجه نموده خاطر نشان می‌سازد که آیه‌های قرآن کریم از این جهت که همه کلام الهی است، با هم برابرند و هیچ تفاوتی میان آنها وجود ندارد، اما از جهت اینکه در آنها چه ذکر شده و به بیان دیگر از نگاه محتوای مذکور در آنها با هم متفاوتند. از این نگاه آیات قرآن بر اساس محتوای درونی شان از هم متفاوت بوده بر همدیگر فضیلت و برتری دارند؛ بنابر این آیاتی که در آنها ذکر داستانهای کفار و کارنامه‌های زشت آنها تذکر داده شده، چون تعبیر و بیان آنها از طرف خدا بوده کلام الهی محسوب می‌شود، دارای یک فضیلت است که عبارت است از فضیلت ذکر یعنی الهی بودن کلام و اما آیاتی که در آنها اسما و صفات خداوند و نشانه‌های قدرت و عظمت او تذکر داده شده، دارای دو فضیلت است: فضیلت ذکر یعنی الهی بودن تعبیر و فضیلت مذکور یعنی محتوای درونی آن. از همین جهت است که سوره اخلاص بر سوره مسدّ فضیلت و برتری دارد، زیرا در اول دو فضیلت وجود دارد: فضیلت ذکر و فضیلت مذکور و در دوم تنها یک فضیلت وجود دارد: فضیلت ذکر؛ پس اول، هم از نگاه لفظ دارای فضیلت است و هم از نگاه معنی؛ اما دوم، تنها از نگاه لفظ دارای تقدس و فضیلت می‌باشد نه از نگاه معنی. گذشته از آن فضیلت بعضی آیت‌ها توسط احادیث نیز ثابت گردیده است؛ به طور مثال: مطابق به احادیث روایت شده، رسول اکرم ﷺ سوره فاتحه را افضل القرآن و آیه الکرسی را سیده القرآن و سوره یس را قلب قرآن و سوره اخلاص را ثلث القرآن خوانده است.

فضیلت اسما و صفات الله ﷻ: همه اسما و صفت‌های الله ﷻ در فضیلت و عظمت باهم برابر اند و از روی مبنی و معنی کدام فرقی میان آنها وجود ندارد؛ اما در احادیث در بین اسمای او تعالی لفظ "الله" نسبت به سایر اسما بهتر دانسته شده است.

امام غزالی رحمه الله می‌گوید: لفظ الله در اسمای رب العالمین بزرگ‌ترین اسم است؛ زیرا همه صفات الهی در آن جمع شده است و اطلاق آن به غیر الله نه از روی حقیقت جایز است

و نه از روی مجاز. هیچ کس آن را بر غیر الله اطلاق ننموده است، نه مسلمان و نه کافر و نه مشرک. اما سایر اسمای او تعالی از جانب مردم به غیر الله اطلاق شده و غیر الله به آنها مسمی گردیده است؛ مانند: قادر، عالم، رحیم؛ زیرا استعمال اینها برای هر ذاتی که دارای صفات قدرت، علم و رحمت باشد، اشکال ندارد و در نصوص هم بر غیر الله اطلاق آن شده است.^(۱) اما هرگاه که اطلاق آن بر خداوند صورت گیرد معنی آن کامل، مطلق و غیر محدود می باشد و هرگاه که اطلاق آن بر مخلوق صورت گیرد معنی آن ناقص، نسبی و محدود می باشد.

ارزیابی



- ۱- آیا بین آیه های قرآنی از نگاه فضیلت تفاوت وجود دارد و یا خیر؟
- ۲- بهتر بودن یک آیت به اعتبار مذکور چه معنا دارد؟
- ۳- در اسمای الله تعالی کدام اسم افضل و اعظم است؟

کارخانه گی



در مورد فضیلت آیت الکرسی و آیات و سوره همانند آن یک مقاله کوتاه بنویسید.

۱- شرح ابو المنتهی و حاشیه آن صفحه ۱۰۷ با اندکی تغییر.

نزدیکی و دوری به الله تعالی و معراج نبی کریم ﷺ

وَلَيْسَ قُرْبُ اللَّهِ تَعَالَى، وَلَا بُعْدُهُ مِنْ طَرِيقِ طُولِ الْمَسَافَةِ، وَقَصَرِهَا، وَلَكِنْ عَلَى مَعْنَى الْكَرَامَةِ، وَالْهَوَانِ.

وَالْمَطِيعُ قَرِيبٌ مِنْهُ بَلَا كَيْفٍ، وَالْعَاصِي بَعِيدٌ مِنْهُ بَلَا كَيْفٍ. وَالْقُرْبُ، وَالْبُعْدُ، وَالْإِقْبَالُ يَقَعُ عَلَى الْمُنَاجِي، وَكَذَلِكَ جَوَارُهُ فِي الْجَنَّةِ، وَالْوُقُوفُ بَيْنَ يَدَيْهِ بَلَا كَيْفِيَّةٍ.

وَإِذَا أَشْكَلَ عَلَى الْإِنْسَانِ شَيْءٌ مِنْ دَقَائِقِ عِلْمِ التَّوْحِيدِ فَإِنَّهُ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَعْتَقِدَ فِي الْحَالِ مَا هُوَ الصَّوَابُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى أَنْ يَجِدَ عَالِمًا فَيَسْأَلُهُ، وَلَا يَسْعُهُ تَأْخِيرُ الْطَلَبِ، وَلَا يُعَذِّرُ بِالْوُقُوفِ فِيهِ، وَيَكْفُرُ إِنْ وَقَفَ. وَخَبَرَ الْمِعْرَاجَ حَقُّ، مِنْ رَدِّهِ فَهُوَ مُبْتَدِعٌ ضَالٌّ.

ترجمه: نزدیک بودن و دور بودن به الله تعالی به معنای درازی و کوتاهی مسافه و فاصله نیست؛ بلکه به معنی تکریم و یا تذلیل (آن بنده) می باشد.

بنده مطیع و صالح به الله تعالی بلا کیف نزدیک و بنده گنهگار از او بلا کیف دور می باشد. نزدیکی و دوری و روبرو شدن به بنده مناجات کننده و عابد واقع می شود (نه بر خدا). همچنان زندگانی در جوار الله و یا وقوف در پیشگاه او تعالی همه بلا کیف است (کیفیت و چگونگی آن را تنها الله تعالی می داند).

و اگر بر کسی حل مسأله یی از مسائل علم عقاید و توحید مشکل شود بر وی لازم است که بگوید من برهر آنچه نزد الله تعالی حق است ایمان آورده ام، تا اینکه عالمی را پیدا نموده و از طریق طرح پرسش به وی مشکلش را حل نماید و جایز نیست که در جستجوی یافتن عالم تأخیر کند؛ زیرا در صورت تأخیر معذور پنداشته نمیشود و اگر توقف کرد (و عقیده درست در این مورد را ندانست) کافر میگردد.

خبر معراج حق بوده و رد کننده آن مبتدع و گمراه محسوب می شود.

شرح

درین درس سه موضوع مهم تذکر یافته است:

۱. معنی قرب و بعد به الله تعالی.

۲. حکم حل مسائل عقیدتی مشکل.

۳. معراج نبی کریم ﷺ.

۱- معنی قرب و بعد

منظور از نزدیک بودن و دور بودن به الله تعالی درازی و کوتاهی مسافه نیست؛ زیرا در این صورت محدودیت و تشبیه الله تعالی لازم میشود؛ بلکه معنی قرب آنست که بنده مطیع مورد تکریم و لطف الله تعالی می باشد و معنی بعد آنست که بنده عاصی و گنهگار از تکریم و لطف او تعالی دور افتاده و مورد توهین و بی توجهی او قرار گرفته است. قرب، بعد و اقبال در باره بنده بکار می رود نه در باره خدا و حتی به همین کاربرد هم معنای حقیقی آن بلاکیف می باشد. هکذا همجوار بودن بنده با الله در بهشت و یا وقوف وی پیش روی پروردگار، از جمله مفاهیمی است که ما چگونگی و کیفیت آن را نمی دانیم و مانند اسما و صفات الله جل جلاله آنرا بطور بلاکیف قبول می نماییم.

۲- حکم ایمان به مسائل مشکل

اگر برای کسی در مورد فهم مسائلی مربوط به علم عقاید و توحید مشکل پیدا شد در آن حالت باید بگوید که من به همان چیز ایمان دارم که در نزد الله جل جلاله صحیح و حق است و پس از آن در جستجوی حل آن برآمده از طریق علما و متخصصین مشکل خود را حل نماید، و اگر این کار را به تأخیر انداخت گنهگار می شود و درین مورد ساکت ماندن برای او عذر پنداشته نمیشود و اگر کسی به حقیقت دست نیافت، اما ساکت و خاموش ماند و برای فهماندن خود اقدام به جستجو نکرد، کافر می شود.

۳- اسراء و معراج نبی کریم ﷺ:

حادثه اسراء و معراج از حوادث خارق العاده یی است که در سال دهم بعثت به وقوع پیوسته و از جمله معجزات رسول اکرم ﷺ محسوب می‌گردد. ذیلاً به توضیح هر کدام از آنها پرداخته می‌شود.

اسراء: اسراء رفتن در شب را گویند و درینجا مراد از اسراء، سیر خارق العاده نبی کریم ﷺ در یک شب از مکه به بیت المقدس می‌باشد.

معراج: معراج از عروج به معنای بالارفتن است و مراد از آن بالا رفتن نبی کریم ﷺ از طرف شب به آسمانها می‌باشد. مطابق به اخبار وارده، رسول اکرم ﷺ توسط براق و به همراهی جبرئیل امین اول از مکه به بیت المقدس و سپس از آنجا به آسمانها عروج کرد و به ملاقات پروردگار متعال مشرف گردید.

واقعه اسراء در قرآن کریم بطور واضح تذکر یافته و واقعه معراج اشارتاً ذکر شده است. چنانچه الله ﷻ می‌فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (سوره بنی اسرائیل)

ترجمه: پاک است آنکه ببرد بنده خود را شبی از مسجد حرام بسوی مسجد اقصی که مبارک گردانیدیم پیرامون آنرا تا بعض نشانه‌های خود را به او بنماییم. هر آئینه اوست شنوای بینا.

هر دو واقعه اسراء و معراج در احادیث بطور واضح و صریح تذکر یافته است.^(۱)

سفر معراج و اسراء طور حقیقی با روح و بدن به بیداری انجام یافته است. امام طحاوی می‌گوید: معراج حق است، نبی کریم ﷺ از طرف شب، با روح و بدن به آسمان سفر نموده و از آنجا تا بلندترین جایی که الله خواسته بود، صعود کرد و خداوند به وی وحی فرمود.

حکم ایمان به اسراء و معراج

چون حادثه اسراء صراحتاً در قرآن کریم ثابت شده، لذا ایمان به آن فرض بوده و منکر آن کافر میشود و اما معجزه معراج با احادیث مشهور ثابت گشته، لذا منکر آن کافر نمی‌شود، اما مبتدع و گمراه می‌شود.

۱- حدیث حضرت انس - در صحیح مسلم



ارزیابی

- ۱- معنی قرب و بعد بنده به الله تعالی چیست؟
- ۲- آیا کیفیت معنی قرب و بعد به الله تعالی را ما فهمیده میتوانیم؟
- ۳- حکم انکار از اسراء و معراج چیست؟



کارخانه گي

با استناد به قرآن کریم و احادیث نبوی، در مورد اسراء و معراج يك مقاله بنویسید.

علامات قیامت

و خُرُوجُ الدَّجَالِ، وَيَأْجُوجُ، وَمَأْجُوجُ،
و طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا،
و نزولُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ السَّمَاءِ،
و سَائِرُ عِلَامَاتِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى مَا وَرَدَتْ بِهِ الْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ حَقٌّ كَائِنٌ،
وَاللَّهُ تَعَالَى يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

ترجمه: خروج دجال و خروج یاجوج و مأجوج.

و طلوع آفتاب از جانب مغرب.

و نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان.

و سایر علامات قیامت که در احادیث صحیح آمده حق، ثابت و واقع شدنی است.

و خداوند کسی را بخواهد به راه مستقیم هدایت میکند.

شرح

در این درس امام ابوحنیفه چند علامت از علامات بزرگ قیامت را ذکر کرده که عبارت است از: خروج دجال و یاجوج و مأجوج و بر آمدن آفتاب از جانب مغرب و نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان. اما در باره سایر علامات به اشاره اکتفا نموده است.

۱- خروج دجال

دجال از "دجل" گرفته شده که به معنای خلط و تلبیس می باشد و چون دجال حق را با باطل خلط می نماید، لهذا به این اسم نامیده شد. راجع به بر آمدن دجال احادیث صحیح آمده است که قبل از قیامت خروج می کند و خروج وی یکی از نشانه های بزرگ رستاخیز می باشد.

حذیفه رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت میکند که فرمودند:

«إِنَّ الدَّجَالَ يَخْرُجُ وَإِنَّ مَعَهُ مَاءً وَنَارًا فَأَمَّا الَّذِي يَرَاهُ النَّاسُ مَاءً فَنَارٌ تَحْرِقُ وَأَمَّا الَّذِي يَرَاهُ النَّاسُ نَارًا فَمَاءٌ بَارِدٌ عَذْبٌ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فليَقَعْ فِي الَّذِي يَرَاهُ نَارًا فَإِنَّهُ مَاءٌ عَذْبٌ طَيِّبٌ»^(۱)

ترجمه: هر آینه دجال می‌برآید در حالی که آب و آتش در اختیارش قرار دارد، چیزیکه مردم آنرا به شکل آب می‌بینند آن در حقیقت آتش سوزنده است و چیزیکه مردم آنرا به شکل آتش می‌بینند آن در حقیقت آب سرد و شیرین است؛ پس اگر کسی از شما این حالت را مشاهده کرد پس خود را در آنچه که در نظرش آتش می‌آید بیندازد؛ زیرا آن آب شیرین گوارا و پاک است.

۲- خروج یأجوج و مأجوج

یأجوج و مأجوج نام دو قبیله است که در شرق کره زمین موقعیت داشتند و باعث فتنه و فساد زیاد گردیدند. ذوالقرنین در مقابل آنها دیوار ساخت و ایشان را در آن مسدود نمود و از گسترش و پیشروی ایشان جلوگیری کرد. بالاخره آنها نزدیک قیام قیامت بار دیگر ظهور می‌کنند و در زمین فساد می‌اندازند؛ اما توسط دعای حضرت عیسی علیه السلام نابود می‌شوند. علما می‌گویند که یأجوج و مأجوج از اولاد یافث ابن نوح می‌باشند.

۳- نزول حضرت عیسی علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام یکی از انبیای اولو العزم بود که بطور خارق العاده و بدون پدر از رحم مریم عذرای^(۲) بتول، به دنیا آمد و در میان بنی اسرائیل به پیغمبری مبعوث گردید؛ اما پس از سه سال از بعثتش یهودیان به همکاری رومیان که در آن زمان در فلسطین حاکم بودند، قصد جان او کردند و خواستند که او را به قتل رسانند، اما خداوند او را از مکر و کید ایشان نجات داده به آسمان برد و اکنون ایشان در آنجا بسر می‌برند. حضرت عیسی علیه السلام در نزدیک قیامت و بعد از خروج دجال نزول می‌نماید. دجال را می‌کشد و صلیب را می‌شکند و با همکاری حضرت مهدی و سایر مؤمنان دین اسلام را در سراسر کره زمین حاکم می‌سازد.

۱- صحیح مسلم - (۸ / ۱۹۶)

۲- عذرا: دوشیزه باکره، بتول: کسی که خود را وقف عبادت و نیایش پروردگار کرده باشد.

۴- طلوع آفتاب از جانب مغرب

این نخستین علامه ویرانی دنیا و یکی از نشانه‌های بزرگ قیامت است که در احادیث صحیح تذکر یافته است. علاوه بر آنچه ذکر شد، علامات دیگری هم دال بر آمدن قیامت وجود دارد که ذیلاً برای آن اشاره میکنیم:

۵- آمدن یک نوع گرسنگی و قحطی

۶- خروج حضرت مهدی

۷- بر آمدن دابة الارض: حیوانی که بطور خارق العاده با مردم سخن می گوید.

۸- خسف (فرو رفتگی)های سه گانه در زمین.

۹- آتشی که مردم را به محشر جمع می نماید و این آخرین نشانه از نشانه‌های بزرگ قیامت است.^(۱)

ارزیابی

- ۱- معنی دجال چیست و دجال کیست؟
- ۲- یأجوج و مأجوج را که از علامات بزرگ قیامت است معرفی کنید.
- ۳- حضرت عیسی علیه السلام بعد از نزول از آسمان کدام کارهای مهم را انجام می دهد؟
- ۴- شش علامه از علامات بزرگ قیامت را اجمالاً ذکر نمایید.

کارخانه گی

راجع به علایم قیامت یک مقاله بنویسید و حدیث حضرت حذیفه را هم با ترجمه در آن بیاورید.

۱- عقد الفراید ۳، ۵ شرح عقیده الطحاویة صفحه ۳۳۴

نواقض ایمان

در درس‌های گذشته، ارکان و اساسات ایمان را شناختیم. اکنون لازم است تا نواقض و یا شکننده‌های ایمان را نیز بشناسیم تا از آن اجتناب نموده خود و دیگران را از آن محافظت نماییم.

اول - کفر

کفر در لغت بمعنای پوشانیدن است، کفر را به خاطری کفر گفته اند که در آن حق پوشانیده می‌شود و در اصطلاح شرعی کفر ضد ایمان است. کفر انواع مختلف دارد:

۱- **کفر تکذیب:** آن عبارت است از دروغ پنداشتن همه و یا برخی از آنچه که رسول اکرم ﷺ از نزد خدا آورده است.

۲- **کفر استکبار:** کفر کسی که حقانیت اسلام را می‌داند و اوامر خدا و رسول را انکار نمی‌کند، اما در اثر تکبر و خود بزرگ بینی از آن اعراض می‌کند و رو می‌گرداند، مانند کفر ابلیس.

۳- **کفر انکار:** انکار کردن از احکامی که رسول الله ﷺ باخود آورده است یا انکار برخی از آن.

۴- **کفر شک:** شک نمودن در آنچه که نبی کریم ﷺ بما آورده یا شک کردن در برخی از آن.

دوم - شرک

شرک، ضد توحید است و آن عبارت است از اینکه آدم، کسی را یا چیزی را در ذات یا صفات یا افعال و یا عبادت پروردگار شریک سازد؛ مثلاً به این باور باشد که در کائنات چندین پروردگار و متصرف و خالق وجود دارد، یا به برخی از اشخاص و ذوات صفاتی را نسبت دهد که جزء صفات پروردگار جهان محسوب می‌شود؛ مانند: روزی دادن، عزیز و ذلیل کردن، دانستن غیب، شفا دادن و غیره. یا تعظیم به حد پرستش در برابر غیر الله، یا از غیر

الله در امور ما فوق اسباب طلب استعانت نمودن، یا در برابر غیر الله نیایش کردن و ...
 الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (سوره نساء: ۳۶)
 ترجمه: وپرستید خدا را و شریک او مقرر مکنید چیزی را و به پدر و مادر نیکوکاری کنید.

سوم- ارتداد

ارتداد عبارت است از ترک کردن دین اسلام و عوض آن دین دیگری برگزیدن و یا از ضروریات (احکام قطعی) دین؛ مانند: نماز، روزه، زکات، جهاد و غیره انکار کردن. الله تعالی در مورد مرتد می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (سوره بقره: ۲۱۸)

ترجمه: و هر کسی از شما که از دین خود برگردد و در حالی که کافر است بمیرد چنین کسان کارهایشان در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردیده و آنان اهل دوزخ اند و در آن همیشه می‌مانند.

چهارم - نفاق

نفاق آنست که شخص در ظاهر مسلمان؛ اما در دل کافر باشد. نفاق نیز نوعی از کفر بوده منافق کافر محسوب می‌گردد؛ اما بخاطر عدم اظهار کفر، احکام ظاهری بی که بر کافران جاری می‌شود، بر وی جاری نمی‌گردد.

ارزیابی

- ۱- انواع کفر را ذکر کنید.
- ۲- شرک را تعریف کنید.
- ۳- ارتداد چرا از نواقض ایمان است؟
- ۴- نفاق چیست و منافق در شریعت اسلامی چه حکم دارد؟

کارخانه گی

در مورد نواقض ایمان یک مقاله کوتاه بنویسید.

آثار و ثمرات ایمان در زندگی

ایمان تنها یک معرفت ذهنی و باور قلبی نیست؛ بلکه باید آثار و ثمرات عملی آن در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان ظاهر گردد. زمانی که درخت ایمان در دل کسی ریشه می‌دواند، حتماً ثمرات و میوه‌های شیرین آن به شکل اعمال صالحه و اخلاق کریمه در زندگی عملی وی ظاهر می‌گردد.

هدف اصلی مؤمن به دست آوردن ثمرات ایمان است. برخی از ثمرات ایمان قرار ذیل است:

۱_ ایمان به الله عز و جلاله و شناخت اسما و صفات او در دل مؤمن نسبت به پروردگار متعال، محبت و خوف ایجاد می‌کند. بنده در برابر صفات جمال الهی سرشار از عشق و محبت می‌شود و در برابر صفات جلال او لبریز از ترس و خشیت می‌گردد و در نتیجه خود را به طور کامل به خدا تسلیم می‌کند و از قید محبت‌های زودگذر و از تعلقات مادی و دنیوی حقیر و ناپایدار رها می‌شود، ترس و هیبت غیر الله از دلش زدوده می‌شود و بالاخره یک انسان آزاد، متوکل، مطمئن و در عین حال متواضع و فروتن بار می‌آید و به یک عنصر مفید و یک عضو صالح و شایسته جامعه مبدل می‌گردد و سعادت دنیا و آخرت را کمایی می‌کند.

۲_ ایمان به غیبات از قبیل ایمان به عالم فرشتگان و ایمان به عالم جنیات و ایمان به پیامبران و کتابهای آسمانی، افق دید آدمی را وسعت می‌بخشد و به او یک جهان بینی جامع و فراگیر می‌بخشد و او را با عوالم دیگر آشنا و خویشاوند می‌سازد. بنده با معرفت اینکه بندگان خدا در فرزندان آدم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه فرشتگان بی شمار و جنیات و حتی همه مخلوقات از جمادات گرفته تا نباتات و زنده جانها همه خاشع و خاضع آفریدگار عالم بوده او را به پاکی یاد می‌کنند، با این معرفت او خود را تنها نمی‌داند؛ بلکه جزئی می‌داند در یک جریان بزرگ و گسترده و همه گیر و عضوی در مجمع بی شمار صالحان و صدیقان و می‌داند که نهضت ایمان و ایمانداری جریان همیشه تاریخ بوده از آدم تا خاتم و تا روز رستاخیز ادامه دارد و

سرانجام، پیروزی و کامیابی نصیب مؤمنان مخلص و انسانهای صالح، صادق و فداکار خواهد بود. با این باور در وی اعتماد به نفس پیدا می‌شود و روحیهٔ ایمان‌داری و بندگی خدا، در وی بیشتر از پیش تقویت می‌گردد.

۳_ ایمان به آخرت باعث انجام کارهای نیک و خود داری از کارهای ناشایسته و زشت می‌شود؛ زیرا کسی که به آخرت ایمان دارد و به علم مطلق و عدالت مطلق پروردگار باور دارد، می‌داند که هیچ کاری چه کوچک و چه بزرگ، در کارگاه هستی، ضایع نمی‌گردد و هر کس مطابق به نیت و عمل خود، پاداش نیک و یا بد خود را اخذ خواهد کرد. ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾.

و اینجاست که در قلبش نسبت به انجام اعمال نیک شوق و رغبت و نسبت به انجام کارهای زشت ترس و نفرت پیدا می‌شود.

۴_ ایمان به قضا و قدر باعث رضامندی بر فیصله‌های الهی گردیده موجب می‌شود که انسان حوادث ناگوار و مصیبت‌های تلخ را با جبین گشاده استقبال کند و در پیروزیها و گشایش‌ها هم از خود نرود و خدا را فراموش نکند؛ زیرا او می‌داند که هر چه در این دنیا رخ می‌دهد بدون اراده، تدبیر و قضا و قدر پروردگار صورت نمی‌گیرد و چون پروردگار متعال، در عین قدرت و توانایی، حکیم، رحیم و عادل مطلق نیز هست؛ پس هر چه که او فیصله می‌کند مطمئناً به نفع بندگان خواهد بود؛ چنانچه الله تعالی می‌فرماید:

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلُ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲) لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (سورهٔ حدید: ۲۳)

ترجمه: هیچ مصیبتی در زمین و در جانهایتان نمی‌رسد مگر اینکه قبل از خلقت در لوح محفوظ (موجود) است، بی گمان این بر خدا آسان است (این را بدانید) تا هرگز بر آنچه از دست شما می‌رود دلتنگ نشوید و به آنچه به شما می‌رسد، دلشاد نگردید و خداوند هیچ متکبر خود ستایی را دوست ندارد.

الله تعالی برای همه ما و شما توفیق بندگی خویش عنایت فرماید و از ثمرات ایمان بهرمند

گرداند. ﴿إِنَّهُ كَرِيمٌ قَرِيبٌ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ﴾.

ارزیابی

۱. تأثیر عملی ایمان به اسما و صفات باری تعالی را بنویسید.
۲. ایمان به غیبات چه تأثیری می‌تواند در زندگی عملی مؤمنان داشته باشد؟
۳. ثمره عملی ایمان به آخرت را بنگارید.
۴. ایمان به قضا و قدر چه نقشی در زندگی ما دارد؟

کارخانه گی

شاگردان در مورد آثار و ثمرات ایمان یک مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.